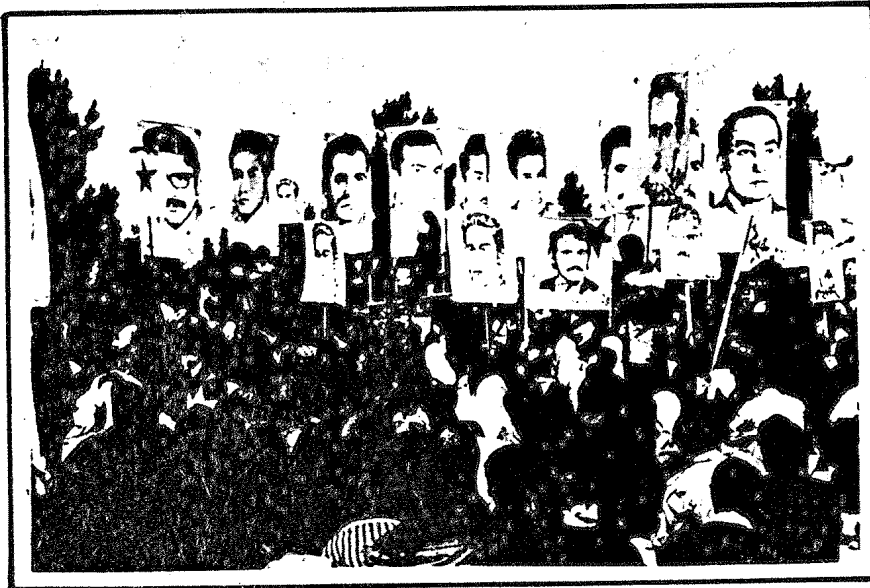


# بزرگداشت هفت فدائی شهید در بهشت زهرا

صفحه ۵



رهنمود به رفقای هوادار

صفحه ۲۲

در این شماره:

● جنبش کارگری

● از میان نامه های کارگران

● جنبش جهانی

● پاسخ به سئوالات

## رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر جنایت آفرید و خانه های زحمتکشان را با خاک یکسان کرد

یکبار دیگر رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی خانه و کاشانه زحمتکشان را با خاک یکسان کرد. روز شنبه ۲۹ فروردین ماه روزنامه های وابسته به رژیم جمهوری اسلامی خبر دادند که ساختمان های غیرمجاز اطراف اتوبان شهران - کرج با بولدور خراب شد. دهها دستگاه ساختمان غیرمجاز که توسط غاصبین و منصرفین اراضی حوالی اتوبان کرج در زمینهای غصبی ایجاد شده بود بقیه در صفحه ۲۳

## اطلاعیه دادستان کل انقلاب (علی قدوسی) نمایشی از سیاست شلاق و نان قندی رژیم

اخیراً (۱۹/۱/۶۰) اطلاعیه داده شده ای از طرف آقای علی قدوسی دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی درباره حدود دفاعی آنها و گروه ها منتشر شد، هر چند این اطلاعیه تکرار بیام اول بهمن ماه ۵۹ است. الله خمینی و سایر مقامات استامبول از آنجا شبکه اینرا این اطلاعیه بصورت عوام فریبانه ای تنظیم شده است و مرتداً کمیته مرکزی اکثریت واپورنویستیهای حزب توده آنرا منتشر آزادی حزب و گروهها دانسته و آنرا استقبال "شایانی" کرده اند، لازمست مکتب بیشتری بر روی آن بعمل آید تا ماهیت واقعی آن روشن شود. این اطلاعیه در سه ماه اول شرایط نشر روزنامه و نشریه و... ونحوه سرگزار میسینگ و تظاهرات... و چگونگی ایجاد دفاتر حزبی و گروهی را مشخص میکند. مطابق این مواد انجام تمام این اعمال با دیدن اجازه مقامات (مختلف) دولتی باشد. در همین جا باید گفته شود که گذاشتن مقرراتی برخلاف اصول قانون اساسی دست پخت خودشان است چرا که مثلاً قانون اساسی برگزاری تظاهرات یا زکردن دفاتر گروهی را مشروط بنه کسب اجازه از وزارت کشور نمیداند. بقیه در صفحه ۲

## سابقه تاریخی خیانت های حزب توده ۲

صفحه ۹

## برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی

قدا با کنه

### اطلاعیه دادستان کل انقلاب (علی قدوسی) نمایشی از ...

بقیه از صفحه ۱

دوماهه ۴ و ۵ مسئله خلع سلاح مطرح کرده و متذکر شده است که "گروهها حق مسلح کردن اعضاء و استفاده از سلاح را نداشته" و گروهها را موظف کرده است که "سلاحهای خود را تسلیم کنند". تا اینجا مسئله تازه ای مطرح نیست و همان محدودیت آزادی گروهها و جلوگیری از انتشار مطبوعات و ممنوعیت داشتن دفاعات و همچنین بر روی خلع سلاح مردم تاکید شده است. اما از اینجا به بعد جنبه عوام فریبانه اطلاعیه خود را نشان میدهد. در ماده ۶ اطلاعیه میگوید: "کلیه احزاب و گروهها ئی که بر ضد جمهوری اسلامی ایران اعلام مبارزه مسلحانه کرده اند چنانچه موضع خود را رها کنند و سلاحهای خود را تحویل سپاه پاسداران یا مقامات انتظامی دهند و موضع جدید خود را رسماً اعلام نمایند میتوانند در چهارچوب قانون فعالیت سیاسی داشته باشند در غیر این صورت طبق قانون در دادگاهها یا انقلاب محاکمه میشوند و بر اساس قوانین اسلامی مربوطه به محارب با آنها رفتار خواهد شد".

سیاست "دریک دست شلاق و در دست دیگر نان قندی" در این ماده بشکل بارزی به نمایش گذاشته شده است. و وقتی مواد دیگر این اطلاعیه را می خوانیم این سیاست بشکل مشخص تری جلوه گری میکند! در بخشی از ماده ۹ "نان قندی" یا لاکر فته شده است و به احزاب و گروهها اجازه بحث و مناظره عقیدتی سیاسی از طریق وسائل ارتباط جمعی (البته در حدودا مکانات!) داده شده است (حتماً دهانپوشیها از آب افتاده است) و در بخش دیگری از همین ماده شلاق را بلند کرده است و گفته "مگر آنهائیکه قبل از ضد نظام جمهوری اسلامی اعلام مبارزه مسلحانه نموده و موضع خود را تغییر نداده اند". اما در ماده ۱۰ "این سیاست نمایانتر نشان داده شده و گفته شده است که "کلیه احاد ملت و دستگاها را انتظامی موظف به تضمین و رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروهها ئی که فعالیتشان از طرف مقامات مسئول مملکتی غیر قانونی اعلام نشده میباشد".

حال بیایم روی مواد دیگر اشاره کردیم بیشتر تعمق کنیم. رژیم جمهوری اسلامی با زبان آقا ی قدوسی میگوید گروهها ئی که اسلحه خود را تحویل دهند و اعلام کنند که علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه نخواهند کرد آزادند فعالیت سیاسی کنند و کلیه احاد ملت (بخوان فلانها و حزب اللهیها و جماعت بدستان) و دستگاها را انتظامی

(پاسداران، گاردشهریانی و...) موظف به تضمین و رعایت آزادی فعالیت قانونی این گروهها هستند! جل الخالق! اگر کسی این کلمات را بخواند و نداند که در کدام مملکتی است فکر میکند در یک کشوری است که حداکثر دو مکرای سوزو ئی در آن رعایت میشود. فعالیت آزادانه سیاسی و تضمین آزاد طرف "احاد ملت" و "ما مورین انتظامی".!! در اینجا سؤال میشود آیا این بیان نظر دولت جمهوری اسلامی در طرف دو سال گذشته نیز بوده یا سیاست جدیدی است! که دولت جمهوری اسلامی اتخاذ کرده است؟! اگر سیاست جدیدی نیست ببینیم این سیاست تا کنون چگونه اعمال شده است تا محکمی برای آینده باشد. آقا ی قدوسی با اعمال فشارها و محدودیتها ئی که نسبت به گروهها ی مختلف سیاسی بعمل آمده و فعالین آنها بر زندان و شکنجه کشیده شده اند و چه بسیار از آنها که توسط مزدوران رژیم ترور گردیده اند را چگونه توجیه می کنند. آیا این اعمال بخاطر این بوده که همه این گروهها اعلام مبارزه مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی کرده بودند؟! چرا گروهها ئی که تا کنون رسماً اعلام کرده اند که نه در حرف و نه در عمل اقدام به مبارزه مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی نکرده و نمیکنند و حتی یک تیر هم شلیک نکرده اند، مشمول سیاست سرکوبگرانه رژیم شما قرار گرفته اند؟! چرا سازمانهای دموکراتیک معلمین شوراها یا دانش آموزان و کارمندان و کارگران روزانه به محاق قسطیل کشیده شده اند و اجازه فعالیت سیاسی و انتشار نشریه ها ندارند؟! شما حتی به همپا لکی خودتان روزنامه های سرما به دارا نیسیرال میزان و مدیر مسئولش که ماهها محضوکا بیته و شورا ی انقلاب خودتان بوده است (درست در آستانه صدور همین اطلاعیه) رحم نکرده اید! آیا آنها هم بر علیه جمهوری اسلامی مسلحانه اقدام کرده اند؟! آیا کارگران بیکاری که برای تقاضای کار در تهران، اصفهان، دزفول و... را هیما ئی کرده بودند و از طرف ما مورین شما بخون کشیده شدند و مبارزانی نظیرنا صرتوفیقیان بشهادت رسیدند، علیه جمهوری اسلامی اعلام مبارزه مسلحانه کردند بودند؟! آیا دکتر نریمسا ها که بجزرم اعتراض به کشتار دانشجویان در دانشگاه جندی شاپور و سایر دانشگاهها اعدام شدند علیه نظام جمهوری اسلامی دست به مبارزه مسلحانه زدند بودند؟! آیا فرهنگیان و مردم مبارز کرمان نظیر علی فدائی ها که علیه ستمگریها و جنایات فہمها ها حاکم شرع و سایر سردمداران دادگاه انقلاب کرمانوسا پیر مرا کز سرکوب دست به فعالیت افشاگرانه سیاسی زده بودند علیه جمهوری اسلامی قیام مسلحانه میکردند که با دید دست آبی دی فهمها و دادگاه انقلاب کرمان بطور آشکاری

ترور شوند؟! آیا دکتر رشوند سرداری ها و گرجیها ئی که بدستور خلع لای جلا بدون محاکمه اعدام گردیدند، علیه جمهوری اسلامی دست به مبارزه مسلحانه زده بودند؟! آیا هزاران نفری که در جریان فروش روزنامه های گروهها ی سیا سی و افشاگری خیا با ئی بطرز وحشیانه ای مورد ضرب و جرح پسا سداران شما قرار گرفته و سپس دستگیر شده اند و در دادگاههای شمشا محکوم گردیده اند و تاکنون دهها نفر از آنها در تهران، شیراز، قزوین، بندرعباس، مرا مسروکتا لم...، بهشتان رسیده اند مسلحانه به فروش روزنامه و افشاگری مبادرت کرده اند؟! هر کسی که اتدگی وجدان داشته باشد نمیتواند در مقابل این واقعات چشم بسته و بگوید بلیه این فعالیتها ی سیاسی که درد موکراسیها ی سوزو ئی جز آبتدا ئی ترین حقوق افراد است، عملیاتی مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی بوده است.

ما از آقا ی قدوسی سؤال می کنیم اگر مفاد این اطلاعیه جزئی از سیاست جمهوری اسلامی زیدوناسین وینا لاقلا از هنگامی که شما دادستان کل انقلاب شده اید، بوده است. پس جواب اینهمه چرا ها و آ یاها ی با لاو مدها چرا ها ی دیگر را چه میدہید. ما از ایشان می پرسیم دم خروس را ببینیم یا قسم حضرت عباس شما را باور کنیم؟! اما ببینیم هدف رژیم از این اطلاعیه و به نما ییش گذاردن سیاست شلاق و نان قندی چه بوده است؟ بنظر ما از یک طرف میخواهیم گروهها ی گوش بفرمانی که تا نقدی را با لایدمعشان گرفته است بگوید که اگر بچه آرام و سربراهیا ی شیدمیکذا ریم تا نقدی را بکنند و از طرف دیگر میخواهد مزدوران به مردم بگوید هر گروهی را که به آنها اجازه فعالیت ندهیم گروهها ئی هستند که با دولت جمهوری اسلامی اعلان جنگ داده اند و بینا بر این حق فعالیت ندارند! و گرنه ما که اعلام کردیم هر گروهی که حتی تا کنون بر ضد جمهوری اسلامی اعلام مبارزه مسلحانه کرده چنانچه موضع قبلی خود را رها کند و موضع جدید را اعلام کند میتواند در چهارچوب قانون فعالیت داشته باشد. رژیم میخواهد به عوام فریبی بگوید ما حتی به مخالفین سیاسی خود هم اجازه فعالیت میدہیم، تنها اشکال و مانع مسئله مبارزه مسلحانه است!!

تا اینجا یک جنبه از سیاست رژیم بیان گردید جنبه های مشخص تراختناقی آن بدینال می آید.

ما در سطور پیشین دیدیم که چگونه هر نیروئی که با رژیم جمهوری اسلامی بنحو ای از نحاء مخالفت میکرد با انواع و اقسام شیوه های سرکوب رژیم روبرو میشد و اکنون با قرار دادن مواد ۷ و ۸

بقیه در صفحه ۲۱

## استقلال - کار - مسکن - آزادی



# استخدام رسمی، حق مسلم کارگران موقت "برق مرکز" است



## جنبش کارگری

### تحصن کارکنان

### پالایشگاه تهران و

### اتحاد قدرتمند آنها

در تاریخ ۱۳/۲۴/۶۰ حدود ۶۰۰ نفر از کارکنان پالایشگاه تهران بعنوان اعتراض به عدم توجه مسئولین نسبت به مسئله مسکن کارکنان متحصن شدند، این تحصن با دادن مهلت یک هفته ای به کفیل وزارت نفت برای رسیدگی به مسئله و با نوشتن نامه سرگشاده ای به نخست وزیر موقتاً پایان یافت. زمینهای منطقه باقالا از کوه قبلاً متعلق به شرکت نفت بود اکنون در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار داده شده است که برای مسکن کارکنان در نظر گرفته شده است، اما هر روز که میگذرد مراجعات مکرر به وزارت مسکن، شهرداری، و سایر جریاها بیش از پیش بی نتیجه میمانند. از اینرو هیئت مدیره تعاونی مسکن تصمیم میگیرد مسئله را با کارکنان در میان گذاشته و با اتکا به نیروی آن ها در مقابل مسئولین که با توهین

مبارزات کارگران موقت "برق مرکز" برای جلوگیری از اخراج - همچنان ادامه دارد.

بدنیال دستور مدیرعامل برق مبنی بر تسویه حساب با کارگران موقت و اخراج آنان، اعتراض شدید و یکپارچه کارگران موقت آغاز شد. حدود ۸۰۰ نفر از این کارگران در تاریخ ۱۳/۱۲/۵۹ خشم خود را از صدور چنین دستور ضد کارگری بصورت متحصن شدن در محل اداره برق مرکز بنمایش گذاشتند. کارگران ضمن ادامه تحصن به اقدامات مختلفی از جمله مراجعه به مقامات مسئول مملکتی و مسئولین اداره برق دست زدند. مراجعه کارگران به جبهه دومدیرعامل مرکز نیز نتوانست بلکه موجب شد که حقوق همیشگی آنها را نیز نپردارند. تحصن هر روزه کارگران در محل مرکز و همچنین راهپیمایی اعتراضی آنها در محوطه موجب وحشت عناصر ضد کارگران و مدیرعامل گردید و او برای جلوگیری از مبارزات کارگران و ورود آنها به محل کار دستور میدهد که کسی بدون کارت شناسائی حق ورود داخل اداره را ندارد. کارگران در جلوی اداره متحصن میشوند؛ مدیرعامل از ترس مطلع شدن مردم از مبارزات کارگران، دستور خود را پس میگیرد و تحصن بداخل محوطه منتقل میشود. کارگران بارها به مجلس و نخست وزیری مراجعه کرده و نتیجه ای نگرفتند. مراجعه آنها به جماران موجب شد که ۵ نفر از نمایندگان که حضور امام "شرفیاب" شده بودند پدید گردند! ؟! اعتراض و مبارزه کارگران پس از تعطیل عید همچنان ادامه یافت با این تفاهوت که بعثت فشاگر کمزورکن هزینه های زندگی عده ای از کارگران به زادگاههای خود در دهات بازگشتند و عده ای نیز ناچار به کارهای دیگری روی آورده اند و اکنون تقریباً ۱۵۰ نفر از کارگران پیگیرانه و مصمم مبارزه ادامه میدهند.

کارگران پیشرو این مرکز ضمن صدور اعلامیه پشتیبانی از مبارزات کارگران موقت، اعلام کرده اند که نه تنها هیچ کسی حق اخراج کارگران را ندارد بلکه کارگران موقت نیز باید مانند سایر کارگران رسمی شوند.

و تحقیر و تهدید میخواستند مسئله را منتفی سازند مشکل مسکن را حل کنند. لذا در روز ۱۳/۲۴/۶۰ بدعوت هیئت مدیره تعاونی مسکن در ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه در رستوران پالایشگاه مجمع عمومی فوق العاده برگزار میشود. اعضای تعاونی مسکن، شورای سه گانه پالایشگاه و جمع زیادی از کارکنان شرکت داشتند، جلسه با حضور حدود ۶۰۰ نفر آغاز شد. ابتدا رئیس هیئت مدیره تعاونی مسکن و سپس نمایندگان شوراها و پالایشگاه اقدامات تعاونی، مشکلات و سنگ اندازیهایی متعدد مسئولین را در سر راه تعاونی بیان کردند. پس از بحث و تبادل نظر بالاخره تصمیم بر این شد که پس از اتمام ساعت کار یعنی از ساعت ۱۵/۴ دقیقه تا ساعت ۱۶/۴ دقیقه در رستوران پالایشگاه به تحصن بنشینند این کار را زیکسو بیان اعتراضی به عدم توجه مسئولین نسبت به مسئله مسکن کارکنان بود و از سوی دیگر ساعت آن طوری انتخاب شده بود که نتوانند مورد سوء استفاده ارگانهای دولتی برای وارونه جلوه دادن - حقایق قرار گیرد. این اقدام مورد حمایت اکثریت کارکنان قرار گرفت حتی کارکنان صاحب مسکن نیز از این حرکت پشتیبانی کردند. و با این ترتیب برای مدت ۳ ساعت و ۱۵ دقیقه کارکنان دست به تحصن زدند و در پایان تحصن در اطلاعیه ای که در همین رابطه صادر کرده اند نوشته اند: "کارکنان هشدار میدهند چنانچه ظرف مدت یک هفته از تاریخ ۱۳/۲۴/۶۰ - بخواست آنها پاسخ مثبت داده نشود تصمیم بعدی را مجدداً در تجمع روز دوشنبه ۱۳/۳۱/۶۰ اتخاذ خواهند نمود. بدیهی است پیامدهای ناشی از عدم رسیدگی به این موضوع مستقیماً متوجه مسئولان وزارت نفت خواهد بود". در همین حال، هیئت مدیره تعاونی مسکن و شوراها سه گانه پالایشگاه تهران نامه سرگشاده ای برای نخست وزیر فرستاده اند. از آنجاکه این نامه سه صفحه ای و اقیامت زیادی را با زکومیکند ما نیز بخشهایی از آنرا منتشر میکنیم: "اگر این حق طبیعی هر انسانی باشد که خود را با همسایه اش مقایسه کند و اگر به لحاظ بهداشت، مسکن، خوراک، و پوشاک مشاهده نمود، احساس نماید در نظام حکومتی غیر عادلانه زندگی میکنند. اگر این حق طبیعی هر یکی از کارکنان را انقلابی باشد که شرایط بعد از انقلاب را با قبل از آن بررسی و مقایسه نماید و اگر در گروگونی در محیط و احوال خود مشاهده نماید و اظهار نماید سیستم اداری جاری استمرار یک حرکت ثابت مینماید، با نام دیگر خواهیم گفت: کارکنان صنعت نفت در دو سال گذشته قربانی سیاستهای غلط و ضد انقلابی - بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"

دک. خانه ها در حاشیه



### نامه‌یک کارگروه‌اداره‌ل مراغه

چند روزی بود که در جستجوی کار به سمنان رفته بودم که تمام داروندارم توسط سارقی ربوده شد. بدینال این حادثه به جهاد ساس زندگی رفته، موضوع را گفتم و خواهان کارشدم. جهاد مرا به استانداری معرفی کرد. استانداری به کمیته امادامام و کمیته امادادم با آوردن بیانه‌های مختلف مثل چند روز دیگر ۱۳ - فروردین است و بعد از آن بیا، مرا روانه خیابانها کرد. در خیابان ما جارا برای یک بساطی که متعلق به حزب جمهوری بود، شرح دادم. بعد از مدتی دو نفر با سدا رکه یک لندرو

داشتند آمدند و گفتند بیا برویم سیاه، آنجا به تو کمک می‌کنیم. با هم سیاه رستم ولی بجای کمک، با زبیری‌ها شروع شد: "از کجا آمده‌ای، برای چه آمده‌ای، مذهبیت چیست و... بعد از مقداری سؤال و جواب ناگهان یک پاسدار دیگر با عصا نیت آمد و بعد از چند سؤال گفت: تو کمونیست هستی، تو ضد انقلاب هستی. سپس به بیانه نیت پیدا کردن تریاک و قاچاق مراخت کردند و تمام بدن و لباسهای مرا کشتند ولی به غیر از چند تنوار کسه شامل سرودهای انقلابی کردی و آذربایجانی بود، چیز دیگری پیدا نکردند و بعد از مدتی دشنام دادند و پاره کردن نوارها به با زجوبی ادامه دادند. برای ترساندن من مرتب از اعدام حرف می‌زدند. در جواب آنها گفتم: اشکالی ندارد. مگر خون من از خون جهاد تکبیر قلعه‌ای (جهان) سرختر است؟ ما کارگران جزید بختی و فلاکت چیزی نداریم که از دست بدهیم. در همین لحظه یکی از پاسداران سیلی محکمی به گوشم زد. جالب اینجاست که آنها هم همان شیوه‌های ساواک را به کار می‌بردند یعنی در شروع با زجوبی با ملایمت رفتار کرده و از در دوستی در می‌آمدند و در صورت عدم اقرار، چهره واقعی خود را ظاهر ساخته و بطرز وحشیانه‌ای به کتک زدن می‌پرداختند. هر چند وقت یکبار با زجوها عوض می‌شدند و با زجوبی از نو شروع می‌شد. این عمل تقریباً توسط ۲۰ پاسدار تکرار شد و تنها اتهامی

که به من می‌زدند کمونیست بودن بود. در جواب آنها گفتم: من هر چه با شرم مخالف سرسخت آمریکا، سرمایه‌داران و نوکران آنها هستم. حال اگر کمونیسم این است، نه تنها من بلکه همه کارگران آگاه، کمونیست هستند. بعد از شنیدن این حرفها پاسداران شروع به دشنام دادن و تهدید به زندان کردند. من هم که بیعت گرسنگی و خستگی ناشی از ضرب و شتم آنان از خود بیخود شده بودم، شروع به داد و بیداد کردم. بعد از مدتی هم‌اتاق را ترک کردند و مرا تنها گذاشتند و بعد از ساعتی به سراغم آمده و با این شرط که بسرعت شهرا ترک کنم، مرا آزاد کردند. این ماجرا را برای شما می‌نویسم. تا همه مردم بدانند که ما کارگران مخالف سرما به داران هستیم و همواره با سرمایه‌داران و خامیان آنها مبارزه خواهیم کرد.

چند روزی بود که در جستجوی کار به سمنان رفته بودم که تمام داروندارم توسط سارقی ربوده شد. بدینال این حادثه به جهاد ساس زندگی رفته، موضوع را گفتم و خواهان کارشدم. جهاد مرا به استانداری معرفی کرد. استانداری به کمیته امادامام و کمیته امادادم با آوردن بیانه‌های مختلف مثل چند روز دیگر ۱۳ - فروردین است و بعد از آن بیا، مرا روانه خیابانها کرد. در خیابان ما جارا برای یک بساطی که متعلق به حزب جمهوری بود، شرح دادم. بعد از مدتی دو نفر با سدا رکه یک لندرو

### تحصن کارکنان...

بقیه از صفحه ۳  
مسئولانی چون نرینه، معین فرو... گردیده‌اند.  
در بخش دیگری آمده است: "اکثر کارکنان صنعت نفت به لحاظ ویژگی‌های خود در پیروزی انقلاب سهم مهمی داشته‌اند بعد از انقلاب هم این حق طبیعی و مسلم کارکنان میباید شد که بمنظور حاکمیت برسرنوشت خویش در کنار نمایندگان دولت باشند، و اگر جناحی معاند است که کابینه دولت شامل ۳۵ میلیون نفر است چه روش عملی متناسب برای همکاری مردم ارائه نموده‌اید؟ در این صورت چرا اینهمه سعی در تنفی شوراها می‌گردد؟". در بخش دیگری - می‌افزاید: "آیا میدانید هنگامیکه به توصیه دفتر امام برای دادخواهی تقاضای ملاقات حضوری با جناب عالی را میکنیم نماینده جناب عالی (مهندس بجنوردی) در نخست وزیری با چه شیوه غیر انقلابی، ضد انسانی و غیر مکتبی با مسائل برخورد میکند؟ آیا این صحیح است که ایشکان میفرمایند هم‌انطور که عده‌ای بعد از وقت اداری قمارخانه‌ها دایر میکنند

شما هم میل دارید در شوراها و انجمن‌ها فعالیت کنید؟ (آخرین به طرفه مقایسه) آیا این صحیح است که نماینده جناب عالی میگوید شما با نصد نفر کارکنان که مشکل مسکن دارید در صورت اقدام به عملی از طریق نخست وزیری و راد دیون تلویزیون پنج هزار نفر را سراغ شما می‌فرستیم؟ این است چهره واقعی دولت در رژیم جمهوری اسلامی، و اینست چهره واقعی مسئولان رژیم جمهوری که با شیوه‌های کهنه شده و افشا شده خود با شهامت، افترا، توهین، تهدید و سرکوب و اختناق می‌کوشند بی‌های حکومت خود را مستحکمتر سازند، این است شیوه حکومت سرما به برزحمتکنان حکومتی که از شوراها و همه دارد، از کارگران میترسد، و هر روز بر نیروهای سرکوبگرش می‌افزاید تا بسا توده‌هایی که خواسته‌های فسر او را خود را پس از قیام همچنان دنبال کرده و پیگیرانه آنها را تعقیب میکند به مقابله برخیزد، اما، توفان خشم توده‌ها در کفش نکرده است و کارگران و زحمتکشان در جبهه انقلاب با ضد انقلاب حاکم به نبرد ادامه میدهند، مشکل میشوند و جبهه نبرد سرنوشت ساز خود را میکشند. با شد که این نبرد را با پیروزی کارگران و زحمتکشان میهن جشن بگیریم.

### نمایندگان کارکنان شرکت نفت آزاد باید گردند

هموطنان مبارز!  
حدود سه ماه است که نمایندگان کارکنان جنگ زده صنعت نفت پالایشگاه آبادان بدون هیچ دلیل دستگیر و در زندان اوین بسر می‌برند. مگر همین کارکنان صنعت نفت نبودند که با مبارزات خود کم... امیرالایسم و رژیم منقور پهلوی را خرد کردند پس چرا بجای این کسه مسئولین یا سخ مشیت بخواسته‌های برحق کارکنان جنگ زده صنعت نفت بدهند نمایندگان نشان را پس از بازگشت از مذاکره با مسئولین وزارت نفت دستگیر و بر زندان انداختند؟  
خواست های بحق جنگ زدگان صنعت نفت بدین شرح است:  
۱- گرفتن حقوق کامل ۲- رسمی شدن پوششها ۳- حق مسکن ۴- حق خواربار ۵- کاربایی ۶- بازنشستگی ۷- تامین رفاه خانواده های جنگ زدگان ۸- دادن پول برای خرید وسایل اولیه زندگی ۹- بهداشت (درمان رایگان)  
شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت آبادان و خوین شهر ۱۳۶۰/۱/۱۰

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



# بزرگداشت هفت فدائی شهید در بهشت زهرا



## گرامی باد خاطره ۹ رزمنده فدائی ومجاهد خلق

پنک است خون من در دست کارگر، داس است خون من در دست بزرگر

آنان که در راه توده ها بسپار زده بر غیبت و با دشمنان خلق نبرد کردند، آنان که تا پای جان به آرمان زحمتکشان و فدا داران توده هرگز نمی میرند، زنده اند و برای همیشه در قلب بزرگ توده ها زنده می مانند. رفقای شهید، فدائیان خلق بیژن جزئی - حسن ضیا ظریفی - عزیز سردی - مشوف (سعید کلانتری) عباس سورکی - محمد چوپا نژاده و احمد جلیل افشار که در ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۴ به همراه دوستانش از مجاهدین خلق، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل، پس از سالها مبارزه، تحمل شکنجه و زندان به دست دژ خیمان رژیم شاه در زندان اوین به خاک و خون کشیده شدند، نمونه راستین انقلابیون سرسخت و آشنای ما پذیر، سمبل های مبارزه، مفاومت عشق و ایمان به توده ها بودند. آنها همان توده های دیگر سلاخی ها، حمید اشرف توماج، تری میما، و جهان... در سر آرزوئی و مبارزات خود در زندان، شکنجه گاه، میدان تپه و تپه در روی با دشمنان توده ها درس مبارزه، مفاومت عشق و ایمان به توده ها را آموختند. رفقای فدائی، بیژن جزئی و دیگر همزمان او که در ۳۰ فروردین بدست دژ خیمان رژیم شاه به شهادت رسیدند، در زمره نخستین پیشگامانی بودند که در تاریخ مبارزه ای سبطا هریمتی رژیم، در روزهای که ما به شوهر و نفرت انگیز دیکتاتوریمان گسیخته بر میهن ما سا به افکنده بود، مبارزه ای شتی پذیر و قهرآمیز را علیه دشمنان خلق آغاز کردند.

آنها که عشق و ایمان به توده ها در قلبشان زبانه می کشید و جز به منافع طبقه کارگر، توده های زحمتکشان و آرمانهای والای آنها نمی اندیشیدند، آنها که با هرگونه خیاالت و سازش، دشمنی شتی پذیر را شناسند، هنگامیکه دیکتاتور در دل بزدلان و ترسو ها، سازشکاران و خیانت پیشگان جنبه ملی و حزب تبوده هراس انداخته بود، پرچم مبارزه شتی پذیر و قهرآمیز را علیه رژیم شاه برافراشته و تا او پسین لحظه تیزدگی خود، با آرمانهای توده ها و فدا دارانمان، از همین روست که خلق قهرمان ایران بر مبارزات فدا کارها، و قهرمانهای این جان برکفان را می شنود، آنها را می ستاید.

فدائیان که میهن ما که پس از سرنگونی رژیم شاه شرح و روایتها را نه فدا شتی و مجاهدان از زبان یکی از جانبداران سازشکاران و شکنجندگان، و از این جناحیت هولناک برخوردار شدند، هیچگاه تصور نمی کردند که پس از سرنگونی رژیم شاه، پس از آن همه مبارزه و خونریزیها که سنگینتر از آنها با آنها را گلگون ساخت، یکبار دیگر در لای جمهوری اسلامی دست به شویدهای نفرت با ترور فرزندانش، خلق، توماچها، جرجا شها، مخموتها، و اعدیها و جهانها زده شود، آنها تصور نمی کردند که در مدتی بدین کوتاه می دود راه پورش بدست آوردهای مبارزات توده ها، به آزارهای سیاسی و حقوقی دموکراتیک آنها آغاز گردد و مومچرکوب و اختناق دستگیری و شکنجه، اعدام و ترور فدائیان خلق، مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی زسرگرفته شود. اما خلق قهرمان ایران که سالهای سپاه، دیکتاتور رژیم شاه را تجربه کرده است، مطمئنان این بسیار تسلیم نخواهد شد و راه نخواستار آزادی را از مردم سلب نماد و ترور و اختناق را بر فراز سر راه.

رژیم جمهوری اسلامی مستورا ندا بین و اقمیت را در یک کدنگه توده ای زحمتکشان میهن ما طی سه سال مبارزه آشکارا خیر و نجات گذشته خود با سطح آگاهی رسیده اند که از زنده هنده صدای آنها را در کلسو خفه کنند و دست آوردهای مبارزات آنها را نابود کنند. خلق قهرمان ایران که امروز ما هیت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی پی برده است، آزاره نخواهد داد که لیبیرالهای عوام فریب، سازشکارها و بنی صدرها که تا دیروز دست در دست حزب جمهوری اسلامی به سرکوب زحمتکشان می برداختند، امروز خود را از دیکتاتور، مدافع دموکراسی و طرفدار خلق جا بزنند. خلق ایران همچنین دست در به سینه دلان سیاسی، با دوان رژیم، حزب خیا نکار توده و کسانیکه با اسم اکثریت نام فدائی خلق برخوردند، داند و می گویند، با سو استفاده از نام مبارزات پر افتخار ما زمان، توده ها را بدینسان له روی رژیم جمهوری اسلامی آوارا رند، خوا هدد. خلق قهرمان ایران راه مبارزه برای حفظ دست آوردهای قیام، و مبارزه در راه آدامه انقلاب را که رژیم جمهوری اسلامی بدین نفرت آفرنده است، برگزیده است.

صبح روز جمعه ۲۸ فروردین ماه، مراسم بزرگداشت شهدای سی فروردین ماه ۱۳۵۴، هفت فدائی و دو مجاهد در بهشت زهرا برگزار شد.

فدائیان شهید بیژن جزئی، عزیز - سردی، محمد چوپا نژاده، احمد جلیل افشار، عباس سورکی، حسن ضیا ظریفی و سعید کلانتری در سی فروردین به همراه دو مجاهد، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل در زندان شاه ترور شدند.

هواایی و دوریز شدید باران زمین ها را خیس کرده بود. جمعیت که هسردم فزونی می گرفت زیر باران بوسه زار شهدا با خواندن سرودهای انقلابی خاطره رزم دلوران آنها را زنده می کرد. مزار شهدا گلباران بود. شمار درویدر فدائی، سلام بر مجاهد، بیان آرمان وحدت نیروهای انقلابی بود.

جمعیت که قریب به پنج هزار نفر شده بود با شعارهای "درد خلق ایران بر شهدای زندان" "شهید فدائی، نویسد رها شتی، راهت ادا ما دارد"، "در سنگر کارگر در سنگر بزرگ، نسا زش نه تسلیم، نبرد با آمریکا" و... آتماده شروع مراسم بودند. در آغاز همسر شهید جزئی پس از توضیح مختصری که پیرامون چگونگی شکل گیری گروه جزئی و دستگیری فقط در سال ۱۳۵۴، به تشریح وضعیت زندان های رژیم و زندانهای سیاسی آنها پرداخت. او پس از اشاره به سازشکارها و خیانت های حزب توده گفت: "برخلاف این سازشکاران، راه آنها راه تزلزل و سازش نبود. راه آنها راه مبارزه تا آخرین قطره خون علیه امپریالیسم و تحقق آرمانهای انقلابی طبقه کارگر بود. پس از سخنان همسر شهید جزئی و در میان غریب پر خروش جمعیت که فریاد "شعار هرفدائی، نبرد تا رها شتی" و "مرگ بر سازشکار، مرگ بر سازشکار"، مادیکی از فدائیان

مبارزه ای برای آدامه انقلاب، مبارزه ای برای حفظ و گسترش آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها بمنظور آدامه مبارزه فدا میریاسیتی، آدامه راه و آرمانهای شهدای خلق و طبقه رهبری و انقلابی است.

ما در این روزها رفقای شهید خود و همه شهدای خلق میهن ما می بینیم که همانند آنها سرسخت و مقاوم، آشتی پذیر و بی طرفی بر علیه دشمنان توده ها، علیه ستم و استعمار، دیکتاتور و اختناق مبارزه کنیم و لحظه ای از مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر، از راه مبارزه زحمتکشان عدول نکنیم.

میهن ما می بینیم که از دست آوردهای انقلابی ما زمان حرمان کنیم و پرچم سرخ را که این فرزندان راستین طبقه کارگر توده های تحت ستم برافراشته اند، آوارا شده ترسایم.

میهن ما می بینیم که با وفاداری به آرمان کارگران، زحمتکشان با حفظ عین سنتهای انقلابی ما زمان شایسته نام "فدائی خلق" باشیم.

گرمای ما دنیا مبارزات تمام شهدای که قهرمانانمانند در راه زحمتکشان مبارزه کردند و جان باختند، سنگ و نفرت برکناسد، به طبقه کارگر و توده های زحمتکشان پشت کردند و در راه سازش و خیانت راه برگزیدند.

ما بودیم ما مهربانان همسر شهید امپریالیسم آمریکا و با نگاه خلیش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بقیه در صفحه ۱۹

# درباره "کمیته هماهنگی" و درک انحرافی از آن

مقدمه

تجاهت منظم و گسترده حاکمیت — دستاوردهای قیام و تلاش برای نابود ساختن کامل حقوق و آزادیهای دموکراتیک موجب بروز انواع — واکنشها، جهاکها و نهوجهناکها شده است. اگرچه مدتتها صفت سازمان های سیاسی انقلابی و بخصوص سازمانهای — ل مدعی رهبری طبقه کارگرد درک درست از ضرورت های این مرحله جنبش و کوشش در جهت رفیع ضعف ها و نارسائی های آن، موجب آن شده است که غالب حرکات اعتراضی توده ای شکلی خود انگیخته و ناکاها نداشته باشند، اما دیگر اکنون این سازمانها کم و بیش شروع به درک قانومندیهای روند تکاملی جامعه و شعور و آگاهی توده ها کرده اند و میکوشند اینجا و آنجا همان درک ناقص خود را (که مسلماً "ناشناسی از سطح واقعا موجود جنبش طبقه کارگر و کلبه اقشار و طبقات دیگر است) بر جنبش توده ها تحمیل کنند.

از جمله این موارد طرح وحتی تئوریزه کردن مسئله "هماهنگی" فی مابین سازمانهای سیاسی موجود در جنبش انقلابی دانش آموزان است. از همان اولین روزهای آغاز سال تحصیلی ززمه هماهنگ کردن فعالیت گروههای مختلف سیاسی و هواداران آنها در سطح مدارس شنیده میشود. اگرچه اغلب فعالین جنبش دانش آموزی با نام "کمیته هماهنگی" آشنا بودند اما اولاً: مضمون و هدف این کمیته و ثانیاً: چونگی ترکیب آن (سازمانها و گروهائی که می توانستند در چهارچوب آن قرار بگیرند) برای بسیاری از فعالین جنبش دانش آموزی روشن نبود. خیلی از آنها نمی دانستند که آیا این کمیته ها موقتی هستند و برای ایجاد هماهنگی در یک عمل مشخص تشکیل میگردند؟ بعبارت دیگر آیا مضمون آن ارگان تصمیم گیرنده یک اتحاد عمل مشخص (محصول یک سیاست مشخص) است؟ آیا کمیته های ثابت و دائمی هستند که بقمصد هماهنگی مبارزه دموکراتیک و انقلابی دانش آموزان بوجود آمده است؟

بایستی اذعان کنیم که دوعامل زیر موجب بروز این ابهامات شده است: ۱- درک پائین جنبش از مبارزه دموکراتیک و صنفی و انقلابی و نحوه سازماندهی مبارزات توده ها (سازمانهای توده سیاسی انقلابی) که محصول ضعف تئوریک و تجربه مبارزاتی در این زمینه (بدلیل شرایط خفقان سالها حکومت شاهانه) بوده است.

۲- درک ناقص و انحرافی از سازمانهای غیر حزبی و لی وابسته به حزب (که به اعتقاد ما بایستی مضمون اصلی فعالیت پیشگام می بود)

## درک ما از مضامین "کمیته هماهنگی"

با این مقدمه به اصل مطلب میپردازیم و درک خود را از مضمون این کمیته ها و میزان پایداری و دوام آن روشن کنیم. به اعتقاد ما آنچه اکنون بنام "کمیته هماهنگی" نامیده میشود، میتواند دو مضمون متفاوت در برداشته باشد.

۱- الف: هیئت موسس یک سازمان توده ای انقلابی.  
ب: یابلوک نیروهای انقلابی در یک شکل توده ای که همان ادامه فعالیت هیئت موسس پس از تشکیل سازمان توده ای انقلابی دانش آموزی است.

۲- هماهنگی فعالیت سازمانها و گروههای مختلف برای یک حرکت مشخص (ارگان تصمیم گیرنده و هدایت کننده یک اتحاد عمل) شرح هر یک میپردازیم:

۱- الف: اگرچه اغلب سازمانهای توده ای انقلابی در جریان مبارزات خود بخودی توده ها بوجود می آیند و بعبارت دیگر از بطن مبارزات خود بخودی بیرون می آیند، اما این امر بهیچ وجه وظیفه پیشرو را (که عبارتست از درک ضرورت تاریخی و گام برداشتن در راه آن ضرورت) تقلیل نمی دهد. پیشرو هر آنگاه که ضرورت یک سازمان توده ای انقلابی را در یاد و با تحلیل مشخص از اوضاع، ضرورت سازماندهی توده ای برای پاسخگویی به نیازان مقطع برسد، ملزم به این است که با ایجاد نطفه آن شکل (هیئت موسس، اولین هسته ها، سرخ، تدوین سیاست خط و برنامه، اساسنامه و غیره) در جهت بسیج و سازماندهی توده ها گام بردارد. چه بسا در یک مقطع سازمانها و گروههای متعددی به درک آن ضرورت واقف گردند. در این صورت برهسته سرخ هر یک از سازمانهای سیاسی مربوطه است که بدوا در جهت هماهنگ کردن سیاستهاشان و تدوین برنامه و اساسنامه واحدی گام بردارند. تا بسیج توده ای هر چه سریعتر و وسیعتر امکان پذیر گردد. بنظر میرسد یکی از مضامین کمیته های هماهنگی "مدارس پاسخگویی به ضرورت زمان یعنی ایجاد یک سازمان توده ای انقلابی دانش آموزان باشد که خود را شکلی خام و هنوز خود انگیخته در مدارس نشان میدهند و مناسفانه سازمانهای سیاسی هنوز به آن حد بلوغ نرسیده اند که این خود انگیختگی را آگاهانه کنند و با تمام فواید جهت تشکیل یک سازمان دموکراتیک، توده ای و انقلابی دانش آموزی بکوشند که در واقع برای حفظ

دستاوردهای قیام و در جهت حل مشکلات و مسائل دانش آموزان مبارزه کند.

(ما به این مسئله "هیئت موسس" در جزوه "درباره سندیکا" که اولین جزوه سازمان پس از قیام بوده است - مختصراً پرداخته ایم) مسلم است که وظایف این کمیته پس از شکل گیری سازمان توده ای انقلابی پایان نمیشود بلکه بوظایف زیر که در حقیقت مرحله بعدی کار کمیته ها در درون تشکیل است، تبدیل میشود.

۱- ب: یابلوک نیروهای انقلابی در یک شکل توده ای: روشن است که هر شکل توده ای لزوماً انقلابی نیست. بسیاری از سازمانهای توده ای بسیار وسیع و گسترده که تحت رهبری بورژوازی و نمایندگان فکری و سیاسی سازمانهای رفرمیست و سازشکار و حتی ارتجاعی تبدیل میگرددند. با همه اینها وظیفه هر سازمان انقلابی است که با تمام توان خود در این شکلها وارد شود و با مبارزه اصولی (طرح خواسته های توده ها و سازماندهی مبارزه انقلابی توده ها و گردآوده در آن شکل) جهت تحقق آن خواسته ها، رهبری آن -

سازمانها را بدست گیرد. اگر بپذیریم که در این مرحله انقلاب، اقشار و طبقات انقلابی متعددی برای تحقق اهداف انقلاب مبارزه میکنند و چه بسا که در مقطعی حتی یک قشر یا یک طبقه نمایندگان فکری متعددی داشته باشد، روشن میگردد که لزوم وحدت عمل و هماهنگی عملی فعالیتها بین نیروهای انقلابی جهت انقلابی نمودن آن شکل توده ای و به انزوا کشاندن و حتی طرد نیروهای ارتجاعی و سازشکار همواره مطرح می باشد. آن مضمون دیگر کمیته هماهنگی همین تا مین هماهنگی و همگامی بین نیروهای انقلابی (دارای مشی انقلابی و شیوه تحقق انقلابی) درون شکل توده ای است.

ما به این مسئله در مقاله "اتحاد عمل نیروهای انقلابی" در سلسله مقالات کوتاه "سازمانهای دموکراتیک توده ای" بطور مختصر پرداخته ایم.

۲- بارها اتفاق می افتد که سازمانهای متفاوت سیاسی (حتی با تحلیل متفاوت) به سیاست واحدی می رسند و حرکت واحدی را لازم تشخیص میدهند. در چنین مواردی این سازمانها می کوشند که با برهمراهان و همزمان خود را حول آن سیاست مشخص گرد هم آورده، با نیروی وسیعتر، حرکتی چشمگیر تر و موثرتر را به نمایش بگذارند. (اتحاد عمل) در چنین مواردی است که نمایندگان آن سازمانها بگرد هم جمع میشوند و ایحاد مرکز و اتحاد جهت هماهنگی بقیه در صفحه ۷





# درباره کمیته هماهنگی و درک...

بقیه از صفحه ۶

هر چه بیشتر بین آن نیروها می‌کوشند، مالزوم ایجاد و شمراک شکل گیری چنین مراکز هماهنگی را به دفعات تجربه کرده ایم.

حال ممکن است از ما پرسیده شود که در شرایط کنونی "کمیته هماهنگی" چه وظایفی بعهده دارد. در پاسخ باید گفت که:

۱- اگر در مدرسه (کارخانه یا ...)

شرایط ولزوم ایجاد و تشکیل می‌دهد. در صورت تمایل سازمان نه تنها در صورت تمایل سایر همکاران سیاسی دیگر مشترکاً و در طی جلسات "کمیته هماهنگی" در جهت تدوین اساسنامه آن تشکیل می‌کوشد و سپس از تدوین آن، تبلیغ مشترک را جهت بسیج هر چه وسیعتر توده‌های آن قشر یا صنف بگردان آن اساسنامه سازمان دهند.

۲- اگر در مدرسه (کارخانه یا ...)

تشکلی دموکراتیک و توده‌یسی (نورا، اتحادیه و...) وجود دارد، برای مقابله با سیاستهای ارتجاعی نیروهای سازشکار، فرصت طلب و غیره "هسته‌های سرخ" ما در طی نشست‌های مشترک با سایر سازمان‌های سیاسی جهت تدوین سیاست واحد می‌کوشند (به تهیه منشور واحد بنشینند) و سپس با بسیج نیروهای خود حول آن سیاست و با اتخاذ شیوه‌های مصلی بقصد بازو آگشا نیدن نیروهای سازشکار و ارتجاعی حرکت کنند.

۳- اگر در مدرسه (کارخانه یا ...)

هیچگونه تشکلی توده‌یسی و دموکراتیک وجود ندارد و فعلاً زمینه ایجاد آن نیز نیست و یا اساساً زمینه برگزاری حرکتی مشترک بین نیروهای سیاسی آنجا وجود دارد، رفقای ما برای حرکت مشخص "منشور" خود را تهیه کنند و نمایندگان سایر سازمان‌های سیاسی را دعوت به مذاکره حول آن نمایند ("کمیته هماهنگی") و بکوشند با آنها به منشور واحدی جهت حرکت مشترک با آنها برسند. مسلماً در جریان این مذاکرات لزوم انعطاف‌هایی در شیوه و روش حرکت از جانب رفقای ما لازم خواهد آمد. ما ضمن پذیرش و توصیه چنین گذشتها و انعطاف‌هایی تا کید می‌کنیم که رفقا نیایستی به صرف انجام حرکت مشترک هرگز از اصول خود عدول کنند و تن نه هر نوع سازشی بدهند. بعلاوه رفقا همواره در خاطر داشته باشند که در هر حرکت مشترک با هر نیروی سیاسی این اصل را کاملاً در نظر داشته باشند "حفظ آزادی کامل

تبلیغ و ترویج و فعالیت سیاسی و عبارت دیگر حفظ حق افساء کبری در هر لحظه که یک نیروی سیاسی از اجرای منشور عدول کرد.

## طرح يك انحراف

گفتیم که سازمانها می‌کوشند اینجا و آنجا همان درک ناقص خود را بر جنبش توده‌ها تحمیل کنند. از جالبترین نمونه‌های اینچنین درکی مقاله "کمیته هماهنگی" اهرمی برای رشد مبارزه انقلابی در مدارس "است که در ۱۳ آبان ارگان دانش آموزی سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار (که) گویا یک سازمان توده‌یسی است!" شماره ۵۳ چاپ شده است. هر سر خواننده‌ای که تا حدودی با مبارزه دموکراتیک و قانونمندیهای آن از یکطرف و مبارزه سیاسی سازمان‌های سیاسی از طرف دیگر آشنا باشد به فوریت متوجه آشفته فکری نویسندگان مقاله می‌شود. این اغتشاش فکری و درهم ریختگی مفاهیم دقیقاً ریشه در عدم درک رفقای پیکار از مبارزه توده‌ها و سازمان مطلوب آن و مبارزه دموکراتیک یک سازمان سیاسی دارد. حقیقت آنست که رفقای پیکاری اولاً تفاوت بین سیاست یک سازمان انقلابی توده‌یسی و یک سازمان سیاسی (که عموماً یکسان نیست) و ثانیاً تفاوت بین بلوک نیروهای انقلابی در یک شکل توده‌یسی و اتحاد عمل سازمان‌های سیاسی برای "همکاری" روی یک "سیاست معین" را نفهمیده‌اند و این عدم درک به بهترین وجهی در مقاله آنان بچشم می‌خورد:

به توضیح موارد فوق بپردازیم: مورد اول: نویسندگان مقاله در رابطه با "شرایط لازم برای مبارزه واحد در کمیته هماهنگی" نوشته‌اند: "شرایط لازم این مبارزه... داشتن سیاست واحد است که کمیته‌های هماهنگی می‌باید حول آن بوجود آید... ما خواستار پیشبرد سیاست انقلابی هستیم و تنها در مواردی که در مورد سیاست معین با دیگر نیروها دارای وحدت هستیم، میتوانیم همکاری کنیم" از این جملات چنین بر می‌آید که منظور نویسندگان از سیاست انقلابی، همانا خواست انقلابی توده‌یسی و شیوه انقلابی سازمان توده‌یسی و تحقق آن خواست توسط آن سازمان‌هاست می‌باشد. این برداشت جمله‌زیر است که در صفحه ۱۲ روزنامه چاپ شده است:

"فرضا" ما بر اساس کسب حقیق آزادی فعالیت سیاسی است که امروز مهمترین خواستی است که همه ما نیروهای که دارای سیاستی واحد اند باید بر حول آن کمیته هماهنگی تشکیل دهند، دست به ایجاد یک کمیته می‌زنیم.

مسئله است که با آن، تحقق جنبش

سیاستی، نیروهای انقلابی درون هر شکل توده‌یسی (مثل شوراهای مدارس) به یکدیگر نزدیک شده حول سیاست واحد بلوک نیروهای انقلابی را تشکیل می‌دهند و با تمام توان مشترکشان برای منزوی کردن خط ارتجاع، سازش و تجدیدنظر مبارزه می‌کنند.

باز هم موبدا این برداشت ما این جمله است که کمیته‌های هماهنگی "هرگز نمیتوانند در برگیرنده انواع نیروهای ارتجاعی و رویزیونیست از انجمنهای اسلامی گرفته تا رویزیونیست‌ها و هواداران لیبرالها... باشد." (صفحه ۵)

خواننده‌ها وصل کردن سرتیبه مقاله به همدیگر تا حلالی نتوانند خود را قانع کنند که گویا منظور نویسندگان مقاله اشاره به لزوم ایجاد یک بلوک نیروهای انقلابی حول سیاست انقلابی در یک شکل توده‌یسی است. اما تاملش راضی نیست بهمین دلیل مقاله را مجدداً خواند. این بار متوجه می‌شود که گویا رفقای پیکاری در توضیح درکشان از "سیاست انقلابی" جملات زیر را نیز بکار برده‌اند: "فی المثل وقتی را در نظر بگیریم که ضروریست این کمیته هماهنگی به درو بیکرویدون حدود مرز در مورد جنگ ایران و عراق موضعگیری کرده، موضعش را تبلیغ کند و دست به بسیج و سازمان تدهی و پیشبرد مبارزه توده‌های انقلابی دانش آموزی بزنند... یعنی دقیقاً مورد نظر رفقای پیکاری است حرکت سیاسی سازمان‌های سیاسی است (لابد سازمان "توده‌یسی" مثل سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار) که جز جبهه چپ و یا حداکثر جبهه نیروهای انقلابی نمی‌توانند معنا و مفهومی دیگر داشته باشند و مسلم است که دیگر این شکل "کمیته هماهنگی" در این شرایط از درک مبارزه دموکراتیک (البته منظور از این شرایط از درک مبارزه دموکراتیک همان ضعف تئوریک و تجربه ایست که جنبش کارگری ایران از آن رنج می‌برد و آن این است که سازمان‌های سیاسی دارای آن متانت و استقامت کار توده‌یسی و درک از کار در یک سازمان دموکراتیک نیستند که با اتکاء به توده‌های آن شکل بکوشند با توضیح صورانه خط مشی انقلابی خود، خط انقلابی را در آن تشکیل غالب کنند و رهبری آن شکل را به اتکاء به توده‌های آن حول سیاست انقلابی بدست گیرند. و در اغلب موارد بعضی آنکه نشانه‌های پیروزی خط سازش و تجدیدنظر را می‌بینند، راه خود را کج کرده و تشکلی نوجو خود می‌آورند و خیال خام خود جنبش را از ارتجاع، رفرمیسم و تجدیدنظر طلبی نجات داده‌اند.) طرفیت تحمل این چنین حرکتی را ندارند" یا با بدمنحل شود یا نقش یک سازمان با ایدئولوژی و سیاست تازه را ایفا کند" (همان روزنامه صفحه ۵) و این پایان و سرانجام هر تشکلی است که رفقای پیکاری در آن شرکت داشته باشند.

به توضیح موارد فوق بپردازیم: مورد اول: نویسندگان مقاله در رابطه با "شرایط لازم برای مبارزه واحد در کمیته هماهنگی" نوشته‌اند: "شرایط لازم این مبارزه... داشتن سیاست واحد است که کمیته‌های هماهنگی می‌باید حول آن بوجود آید... ما خواستار پیشبرد سیاست انقلابی هستیم و تنها در مواردی که در مورد سیاست معین با دیگر نیروها دارای وحدت هستیم، میتوانیم همکاری کنیم" از این جملات چنین بر می‌آید که منظور نویسندگان از سیاست انقلابی، همانا خواست انقلابی توده‌یسی و شیوه انقلابی سازمان توده‌یسی و تحقق آن خواست توسط آن سازمان‌هاست می‌باشد. این برداشت جمله‌زیر است که در صفحه ۱۲ روزنامه چاپ شده است:

مسئله است که با آن، تحقق جنبش



# لایحه قصاص، گامی فراتر در سرکوب حقوق دمکراتیک زنان

نیروهای سیاسی استخا و انحام گرفته مطالبی طرح شده که حکایت از این واقعیت می‌نموده زنی میگفت: "اسپا می‌خواهند که ما همیشه توری خور باشیم. این ما هستیم که باید حتما زنا بگیریم. مردی میگفت: "بجای زنیها، اگر این لایحه تصویب شود، اوضاع وحشتناکی پیدا می‌کنند. و خانمی که در کنارش ایستاده بود، می‌گفت: ما زنها همیشه مثل برده در دست شوهران خود اسیریم. و بخاطر اینکه زن هستیم، هیچوقت هیچ حرفی نباید بزنیم." در یکی از محلات زحمتکش نشین، زنی میگفت: "اگر ما میدانستیم قانون این است، هرگز به قانون اساسی هم رای نمیدادیم." زنی که مستخدم بیمارستان بود میگفت: "... از فردا کشتار زنان راه می‌افتد و زنده بگور کردن دختران و سنگ سارزان. خانم بهیاری میگفت که "اینها (منظور هیئت حاکمه) با این کار گور خودشان را می‌کنند." یکی دیگر از بهیاران سا عصابیت اظهار میداشت: "تا حال که شوهران میتوانند چندین زن بگیرند ولی لابد از حالا بعد هر وقت نون خورزیادی نخواستند، فوراً سرشان را از آرب میکنند و از قاص هم در میروند چون مثلاً نمیتوانند ادعا کنند به اعماطها رفسح داده و یا کار خلافی کرده ..."

رژیم جمهوری اسلامی بدون لایحه قصاص هم در سرکوب آزادیها و حقوق دمکراتیک توده های مردم بویژه زنان اقدامات "درخشانی" کرده بود ولی برای دیگر لایحه قصاص نقطه اوج "شاه" کارها می‌شود رژیم است. زن سالخورده ای میگفت: "تغیر ممکن است، نباید اینها اینقدر حیوان و زبانی نفهم باشند. برای برخی از مردم این همه تحجر و واپسگرایی غیر قابل باور است و به همین جهت آنان که خوشبینانه و با توهمات خود زندگی میکنند، میگفتند: "این نمی‌تواند واقعیت داشته باشد و از شایعات ضد انقلاب است." مردی میگفت: "چطور چنین چیزی ممکن است؟ این قانون متعلق به عصر حجاز است." واقعیت هم این است که محتوای این لایحه چنان مرتجعانه است که تنها به درد عصر حجر هم می‌خورد و می‌بینیم که سردمداران جمهوری اسلامی چقدر از شوری آش مطمئن بوده اند که نتوانسته اند به هیچ ترتیبی لایحه قصاص را به ساله قابل دفاعی تبدیل کنند. به نحوی که حتی متوهم ترین آدمها هم در برخورد به لایحه قصاص، آنرا به "شایعه ضد انقلاب" نسبت میدهند. آنها در واقع درست می‌گویند. این حرکت نیکو یکی دیگر از حرکات ضد انقلابی حاکمیت ضد انقلابی است. راه مقابله با تصویب آن، افشاء گری گسترده از مضمون ارتجاعی این لایحه و فحش خواندن زنان و مردان محروم و تحت استثمای روستم این جامعه به اعتراض وسیع علیه آن می‌باشد.

هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را به قتل برساند حق دریافت جیزی را ندارد و فقط قصاص درباره او اجرا میشود و لوی اینکه این زن نظیر هزاران هزار زن زحمتکش، نان آور خانواده خود باشد. ثالثاً برای مجازات قاتل یک زن، ولی زن - باید نصف خون بهای قاتل را بپردازد و به این اعتبار طبیعی است که خانواده های تنگدست و زحمتکش به علت فقدان امکانات مالی با پیدا قاص قاتل دخترشان درگذرند. زیرا برای قصاص قاتل باید چیزی را هم از عواید آن چیز خانواده ای از دست بدهند. بگذریم از آنکه چه بشیرمانه ارزش وجودی انسانها بر طبق این لایحه با ارزش شتر و گاو و گوسفند قابل مبادله میگردد. این است معنی روشن "زنجیر عدالتی" که خانم نماینده آن سخن میگوید!! وی در مورد ماده ۱۳۳ این لایحه، مینویسد اینکه قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود. سکوت اختیار میکند مفاد این ماده صراحتاً شهادت زنان را به هر تعداد نفی کرده و امکان اثبات هرگونه قتل عمدی در مراکز تجمع زنان مانند مدرسه دخترانه، حمام زنانه و ... به علت عدم حضور شهود عادل (منظور مرد است) کاملاً از میان می‌رود. روشن است که خانم طالقانی با آسودگی خیال، ظلم صریح و بارز و آشکارا عین عدل می‌نامد و با این کار هدف "تحمیق" زنان زحمتکش و مبارز جامعه ما را دارد، غافل از آنکه زنان در بر خورد به این لایحه نهایت نفرت و انزجار خویش را از تفکری که در این لایحه تبلور یافته است، ابراز میدارند. اگر زنان هیئت حاکمه چون خانم طالقانی مضمون ارتجاعی لایحه قصاص را عین عدل تلقی میکنند، زنان و مردان مبارز و بیدار میهن ما خوب میفهمند تصویب این لایحه چگونه ایستاد ستم بر زنان را گسترش میدهد. در جمعاعات مختلفی که در نقاط مختلف شهر، گردا و زالیدهای افشاء گری لایحه قصاص بوجود آمده و در رابطه با محتوای این لایحه بحث در گرفته بود هم چنین اظهار نظرهایی که پس از افشاء گری

لایحه قصاص پس از تصویب در هیات دولته مجلس برده شده است. مدتها قبل از انتشار این لایحه مطبوعات دولتی، کارگران سازمان ما و سایر ارکان نهایی سیاسی در مقالته به افشای محتوای ضد انسانی و قرون وسطائی این لایحه پرداختند. افشای مفاد این لایحه واکنش های بسیار به همراه آورد و بالاخص واکنش زنان نسبت به این لایحه چشمگیر بوده است. زیرا لایحه قصاص علاوه بر آنکه با مضمون ارتجاعی خود، شرایط کریستال قدرتمندان و طبقات مرفه را از مکافات جنایات خویش فراهم میآورد، علاوه بر آنکه زمینیه سرکوب مبارزین انقلابی و کمونیست را گسترش می‌بخشد، فراتر از آنکه رسماً مذهب شیعه را به مثابه مذهبی برتر و ممتاز تر تلقی و افراد غیر مسلمانی را کافر می‌انگارد و توضیفات ناشی از غیر مسلمانی بودن را بر آنان تحمیل می‌کند، بینش ارتجاعی خود را در مورد زنان به کمال به نمایش می‌گذارد و کوچکترین ارزش انسانی برای زنان قائل نمی‌شود. چنانکه در ماده ۱۵ این لایحه می‌آید: "هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن با بدولی زن قبل از قصاص نصف دیه (خون بها) مرد را به او بپردازد." به بیان دیگر، در واقع ارزش جان یک زن مساوی با ارزش نیمی از یک نسان ارزیابی میشود یعنی اولاً - قتل یک زن شرطی قابل قصاص است که نصف خون بهای قاتل پرداخت شود در حالی که در شرایط وقوع قتل یک مرد، خانواده مقتول نه تنها بین قصاص قاتل و دریافت دیه حق انتخاب دارند، بلکه در صورت قصاص قاتل، کوچکترین مبلغی نیز بابت خون بهای قاتل پرداخت نمی‌شود. حال ببینیم که خانم اعظم طالقانی "نماینده زنان در مجلس شورا چگونه ماده ۱۵ این لایحه را توجیه میکند. وی در مصاحبه ای با روزنامه کهپهان که در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۰ صورت گرفته در پاسخ پرسشی در این ارتباط چنین اظهار میدارد: "وقتی که به این لایحه برخورد کردم، مقداری برای من شوک آورید ولی بلافاصله توضیح میدهم پس از آنکه دقیقتر به لایحه برخورد کردم دیدم که چه دید واقع بینانه ای در پشت آن است. اوسپس میگوید ... وقتی مردی زنی را عمداً بکشد توجه به قانون اسلام، قاتل باید اعدام شود مگر اینکه صاحب خون فدی بگیرد و رضایت بدهد. اما وقتی که اعدام میشود، خانواده، مرد سرپرست خود را از دست میدهند پس این پولی که صاحب خون میدهد در واقع مخارجی است که برای اداره این خانواده بی سرپرست می‌پردازد تا این خانواده به تکدی و فساد کشیده نشود."!! خانم نماینده "عمداً" فراموش می‌کند که اولاد صورتی که مقتول مرد باشد، چگونه است که این لایحه به فکر خانواده پرست قاتل نمی‌افتد؟! و تا نیا



# سابقه تاریخی خیانت های حزب توده (۲)

"حزب توده" در مقابل کودتای امپریالیستی ۲۸ مردادواکتوسی نشان نداد. و با وجود سالم بودن سازمان نظامی و در عین اعتراضات بسیار ریکه از سوی توده هلی پائینی "حزب" بعمل میامد به برگزاری چند میتینگ موضعی و بخش اعلامیه اکتفا نمود. و حتی زمانی که اعتراضات اوج گرفت بارها اعلام کرد که "بحث درباره مشی حزب در مقابل کودتای ممنوع است" و بعد از این نیز برای توجیه خیانت خود در ساله ای به عنوان "درباره" ۲۸ مرداد تحلیللی ارائه داد که شرایط عینی برای دست زدن به حرکت نظامی مناسب نبوده و نیست!!

بهر صورت کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد نقطه عطفی در خیانت های "حزب توده" بود از این پس فصل نوینی در "خط اصولی" "حزب" در خیانت به خلق گشوده گشت. عده ای از رهبران خائن حزب از جمله کیا نوری وجودت با سرعت و با استفاده از امکانات به خارج از کشور گریختند و در آنجا کنج فراغت گزیدند. "رهبران" دیگر که مجال فرار نیافتند و دستگیر شدند عمدتاً به خود فروشی سیاسی، لودادن، جاسوسی و حتی مشاوری و همکاری با پلیس و دولت مشاوری مشغول شدند. سران "حزب" از جمله یزدی، بهرامی، علوی شرمینی و... به شاه اظهار وفاداری و آستانه نسوسی کردند. قریباً فردی که دست راست کیا نوری بوده مشاوری پلیس بدل شد. سیا مک جلالی عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان و علی متقی عضو کمیته ایالتی نیز به همکاری "مادقانه" با پلیس پرداختند و حتی به پست و مقام نیز رسیدند. عباسی از سازمان نظامی دفترچه رمزی را که اسامی تمام افراد سازمان در آن بنویسد لوداد بدین صورت بیش از ۶ نفر از سازمان نظامی باز داشت شدند. که از این عده ۲۷ نفر به جوخه اعزام سپرده شدند. در این میان عناصر صادق نیز بودند که در کنار عده "زیادتی از زرده های پائین" "حزب" و توده های "حزبی" مادقانه رزمیدند و قداکارانه تا پای شهادت نیز به خلق وفادار ماندند: یادشان گرامی باد.

بحائی رسید که در سال ۳۶ کمیته مرکزی "که در خارج از کشور تشکیل شده بود اعلام کرد که در ایران "هیج گونه" سازمانی ندارد.

## "حزب توده" و "انقلاب سفید"!

نبودن تشکیلات نیز نتوانست جلوی خیانت های "حزب توده" را بگیرد. "حزب" خود را موظف میدانست تا "خط اصولی" خود را از خارج کشور نیز به پیش برد! یکی از مهمترین موضع گیری های که بخوبی نشان میدهد چگونه "حزب توده" همواره "محیر گوی" "بالائی ها" بوده است تحلیل "اصلاحات ارضی" شاهانه است. در مرحله ای بر اثر رشد و سرمایه امپریالیستی، دیگر روابط فئودالی حاکم در جوامع وابسته کارائی خود را در جهت تامین منافع حداکثر برای امپریالیسم از دست میدهد. ساخت فئودالی، جریبان سرمایه را کند میکند و بخصوص آنرا در

### حزب توده:

"احتیاجات این کشورها (کشورهای امپریالیستی) به محصولات کشاورزی هر روز زیادتر میشود و با نتیجه بالا بردن محصولات کشاورزی کشورهای عقب افتاده هر روز بیشتر به صورت ضرورت غیر قابل اجتناب برای کشورهای متروپیل درآمده است... این انگیزه هم امپریالیست ها را در جهت موافقت با بعضی اقدامات در زمینه اصلاحات ارضی و رشد تولید کشاورزی - نظیر ایران میراند... (دنیا شماره ۱ - دوره دوم - اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۹ - سیاست دولت کثونی ایران درباره مسئله ارضی - کیانوری)

محدوده شهرها متوقف میسازد. روستاها توان جذب کالاها و سرمایه های امپریالیستی را ندارند. و در عین حال نیروی کار لازم که با یسدر کارخانه های مونتاژ و تولید

کالاها را مصرفی، در معادن و استخراج و تولید مواد اولیه بکار گرفته شود، در روستاها به هم میسرود. در اینجا است که امپریالیسم این تضاد را از "بالا" توسط "اصلاحات ارضی" حل میکند. و بدین طریق شکل "بیطری" زمینه مساعدی جهت جزیان یافتن هر چه بیشتر سرمایه و کالای امپریالیستی پدید می آید. در این عمل فئودالها نیز با گرفتن امتیازات بسیار و از جمله پول پرداختی برای زمینهایشان قادرند به راحتی به سرمایه داران - وابسته تبدیل گردند. و در چپا ولو استثمای خلق سهیم میمانند. در نتیجه روشن است که "اصلاحات ارضی" نه بخاطر "بیشرفت دادن کشاورزی ایران" نه بخاطر "رشد دادن نیروهای مولد" نه بخاطر "مدرنیزه کردن اقتصاد و تولید" نه بخاطر "برآوردن - خواسته های مردم" بلکه در جهت منافع امپریالیسم، تشدید جزیان سرمایه و کالای امپریالیستی و هر چه بیشتر وابسته کردن اقتصاد جامعه صورت گرفت.

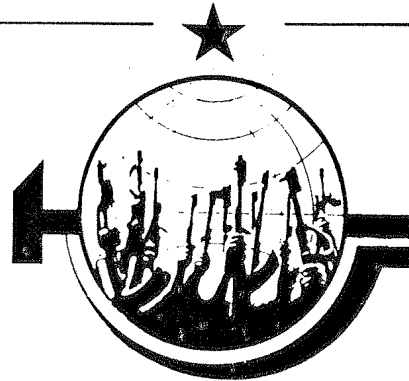
اما "حزب توده" در سال ۳۹ "شاه" کار تحلیلی خود را از زیر زکیانوری ارائه میدهد و پیشاپیش "انقلاب سفید" شاه را تطهیر و تائید میکند. کیا نوری در این سال نوشت "احتیاجات این کشورها (کشورهای امپریالیستی) به محصولات کشاورزی هر روز زیادتر میشود و با نتیجه بالا بردن محصولات کشاورزی کشورهای عقب افتاده هر روز بیشتر به صورت یک ضرورت غیر قابل اجتناب برای کشورهای متروپیل درآمده است... این انگیزه هم امپریالیست ها را در جهت موافقت با بعضی اقدامات در زمینه اصلاحات ارضی و رشد تولید کشاورزی نظیر ایران میراند... (دنیا شماره ۱ - دوره دوم - اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۹ - سیاست دولت کثونی ایران درباره مسئله ارضی - کیانوری) بطور خلاصه کیا نوری میگوید: امپریالیسم بعلت اجبار قصد دارد وضع کشاورزی ما را روستاها را بدهد و آنرا توسط اصلاحات ارضی رشد دهد.

این "خط اصولی" در تائید "انقلاب سفید" بدون کوچکترین انحرافی حداقل بمدت ۱۵ سال ادامه یافت.

است که کشورهای ما را غارت میکنند و امروزه (برای بحران) به وجود در دکشیده ما احتیاج ندارند، میخواهند ما را مانند فاله بیرون بیا نندازند." همچنین یک ساه پوست معترض به لایحه مذکور گفت: "ما سیاهان در انگلستان کارهای پستی را که سفیدپوستان حاضر به انجام آن نیستند انجام میدهم. تا دیروز کمترین دستمزد را به ما میدادند حال که بیکاری موجب شده که سفیدها نیز تن به انجام کارهای پست بدهند، میخواهند ما را بیرون کنند، کما بودند این سفیدهایی که تا دیروز حاضر نبودند رفتگری کنند و نواتهای عمومی را بشویند." و این سیاستی است که امپریالیستها با اتکاء بر مسئله نژادی، برای تفرقه و پراکندگی میان صفوف کارگران بومی و مهاجر پیش می بردند تا بدین وسیله صف متحد و یکپارچه کارگران در مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داران را به انحراف بکشانند.

## جنبش جهانی

کارگری - رهائی بخش



دولت نیز در مواجه با بحران ژرف - اقتصادی و اعتبارات سراسری در این کشور کارگران مهاجر را بعنوان اولین هدف حملات خویش قرار داده است و ضمن تصویب یک قانون نژاد پرستانه محدودیتهای جدیدی را علیه آنها بکار گرفته است. روزشنبه ۲۲ فروردین زحمتکشان محله برای یکستون در اعتراض به بیکاری قوانین جدید ضد مهاجرین در انگلستان دست به یک تظاهرات آرام زدند. اما پلیس فاشیستی لندن بسرعت نیروهای سرکوبگر خود را برای مقابله با تظاهرات زحمتکشان اعزام داشت و تعدادی از زحمتکشان را دستگیر نمود. توده های خشمگین در مقابل با این برخورد فاشیستی، به صفوف پلیس حمله کردند. پلیس در مقابل این خشم توفنده و اتحاد مردمی تاب مقاومت نیاورد و از ترس تشدید درگیری، در حالیکه بیش از ۵۰ نفر از افرادش بشدت زخمی شده بودند مجبور به فرار شد. در این درگیری تعدادی از توموبیلهای پلیس توسط کوکتل مولوتف هایی که بوسیله جوانان سیاهپوست ساخته شده بود به آتش کشیده شد. به گفته خبرگزاریها یک جوان سیاهپوست فریاد میزد: "ما با پلیس فاشیست می جنگیم". همچنین سخنگوی سازمان سیاهپوستان در گفتگوبها خبرگزاریها دلایل اعتراض و شورش را، بیکاری مسکن نامناسب و آزار جوانان سیاهپوست توسط پلیس اعلام داشتند. از سوی دیگر هفته گذشته یک تظاهرات آرام دیگر نیز در شهر لندن و در اعتراض به لایحه مذکور در فوق صورت گرفت که ۱۵۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. یک مهاجر بنگلادشی که در این تظاهرات شرکت کرده بود در مصاحبه با واحد مرکزی خبر را دیو تلویزیون ایران در لندن اظهار داشت: "دولتهای غربی قرنهای

## السالوادور:

### تداوم مبارزه

جنگ رهایی بخش در السالوادور هم چنان رو به گسترش است و چریکهای انقلابی مواضع خود را هر روز مستحکم تر می سازند. این روزها بخش وسیع این خبر مینی بر این که چریکها قصد دارند طی هفته بزرگداشت اول ماه مه (یازده اردیبهشت) دومین حمله سراسری خود را آغاز کنند خونهای نظامی را به وحشت مرگباری دچار نموده است. رژیم نظامی حاکم بزع خود برای جلوگیری از گسترش دامنه جنبش در میان زحمتکشان، بویژه در هفتههای اخیر، اقدامات جناحیتگاران خود را در مناطق روستایی که احتمال میدهد اهالی آن چریکها را مسور حمایت قرار دهند افزایش داده است. از جمله اقدامات یاد شده بمباران اخیر محل تجمع ۱۵۰۰ روستایی در حومه السالوادور بود که در میان آنها تعداد زیادی زنان و مردان مسن و نیز کودکان وجود داشتند. همچنین در بسیاری از مناطق روستایی السالوادور از جمله "سوجیتو" و گاراپا، آثار و بقایای خانه هایی که توسط توپخانه و هواپیماهای ارتش مزدور به آتش کشیده شده است دیده میشود.

بی شک این تلاشهای مذبوحانه نه تنها رژیم نظامی را نجات نخواهد داد بلکه نابودی محتوم آن را هر چه نزدیکتر ساخته و بر عزم راسخ توده ها در تداوم مبارزه تا پیروزی می افزاید.

## انگلستان:

### شورش تهیدستان

منطقه برای یکستون در جنوب لندن هفته گذشته شاهد صحنه های خونین شورش ضد نژاد پرستی و ضد سرمایه داری زحمتکشان تهیدست علیه رژیم بحران زده امپریالیستی انگلیس بود. برای یکستون محل زندگی مهاجرین سیاه پوست و آسیاییهای مهاجر و بطور کلی زحمتکشانی است که چندین نسل نیروی کارشان توسط اربابان سرمایه به غارت رفته و اکنون که بحران دامنگیر سیستم سرمایه داری جهان خواهد شد، حقوق ایین زحمتکشان همچون میلیونها کارگر هم زنجیر دیگرشان بیش از پیش مورد تجاوز و ستم قرار میگیرد. همگانه که طی مقاله کارگران مهاجر در کار شماره ۱۰۵ ذکر کردیم

## فرانسه

۲۲ فروردین - اعتصاب کارمندان و ملوانان کشتیهای تجارتنی فرانسه موجب توقف حدودی فرود کشتی در بنادر فرانسه شد. اعتصاب کنندگان خواستار افزایش حقوق بازنشستگی خود هستند.

## امریکا

طبق یک گزارش منتشر شده در پراودا، ارگان حزب کمونیست شوروی امپریالیستهای امریکائی در فلوریدا دست به ایجاد تیکتوری کمپ های نظامی زده اند تا با گردهم آوری طرفداران سوموزا دیکتاتور معدوم نیکاراگوئه و نیز ضد انقلابیون کوبائی این مزدوران را جهت انجام فعالیتهای تروریستی در کشورهای نیکاراگوئه و کوبا آموزش دهند.

## پرتوریا

۳۵۰۰ نفر از کارگران مبارز سیاهپوست یک کارخانه اتوموبیل سازی امریکائی - انگلیسی در پرتوریا جهنت تحقق خواستها و حقوق برحقشان همچنان در حال اعتصاب اند. این کارگران که در هفته گذشته برای دریافت دستمزد بیشتر، آغاز به اعتصاب کرده بودند، در تاریخ ۱/۲۵/۶۰ کارفرمایان را مجبور به پذیرش مذاکره با نمایندگان کارگران نمودند.

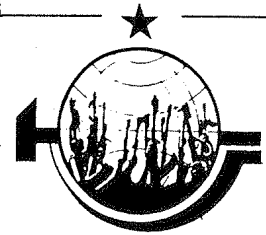
بقیه در صفحه ۱۵

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها ئی بخش



### جنبش جهانی

کارگری - رها نمیشد



بقیه از صفحه ۱۰

همچنان ادامه دارد و وارد دومین هفته اعصاب خود گردیده است. کارگران این معادن حدود ۴۰٪ تولید داخلی و ۹۰٪ صادرات زاتامین میکنند و اثرات اعتصاب می تواند بعداً گسترده تری یافته و به کارخانجات و دیگر بخشهای اقتصاد سرایت کند و یا حتی برخی صنایع را به زانو درآورد و موجب کمکاری گسترده گردد چرا که ایمن اعتصاب نسبت به اعتصاب های مشابه در سالهای ۷۷ و ۷۸ که ۱۱۱ روز بطول کشید از وسعت بیشتری برخوردار است و این در حالی است که تقاضا برای ذغال در داخل و خارج آمریکا روبه افزایش است.

۲۳ میلیارد دلار بر برونظامی آمریکا را برای سالهای مالی ۸۱ و ۸۲ خواستار شده و اعلام داشته است که بودجه نظامی در سال مالی ۸۱ که در ۳۰ سپتامبر (۸ مهر) به پایان میرسد، به ۱۷۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و در سال بعد از آن به ۲۲۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار خواهد رسید. طراحی نظامی آمریکا در پروژه نظامی خود، اجرای ۴۵۰ طرح جدید نظامی را بر اساس این طرح، گنجانده اند. بر اساس این طرح، وزارت دفاع آمریکا تنها ۲/۵ میلیارد دلار صرف تکمیل یک بمب افکن سوپر مدرن و ۶۶۰ میلیون دلار از این بودجه را صرف ایجاد یک ناو هواپیمابر نامی خواهد کرد.

## بیکاری در آمریکا

نشانه های بحران عمومی سرمایه داری، علیرغم تلاشهای کشورهای امپریالیستی برای رهایی از آن که پیوسته سعی داشتند اثرات ناشی از آن را بر زحمتکشان تحمیل نمایند، به چنان درجه ای از گستردگی رسیده که سرکرده امپریالیستهای جهان نیز آن را نابخواب و خطرناک و مشکلات تهدید آمیزی مواجه ساخته است. بطوریکه روند رشد بیکاری آنچنان سریع و بی سابقه بوده که مقامات رسمی آمریکا، تشدید تورم و بیکاری را در کشورهای سرمایه داری جهان خصوصاً آمریکا در سال آینده اجتناب ناپذیر دانسته اند.

"بانک فدرال آمریکا" میزان تورم را ۱۲/۳٪ اعلام داشته و تا کیسده کرده است که "اقتصاد بین کشوری در اروپا روئین با پدیده رشد منفی همچنان با روری خود را ز دست میدهد". ارگانهای دولتی آمریکا با وجود تلاش فراوان در تاز چیز شمردن بیطبیح بیکاری در این کشور، ناچاراً به وجود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار بیکار در آمریکا اعتراف کرده اند که هر چند با آمار واقعی در حدود ۱۱ میلیون، فاصله چشمگیری دارد، بهر حال نشانده بحران ژرف در جامعه سرمایه داری - آمریکا است.

دولت آمریکا که سیاست تبعیض نژادی اش دست کمی از سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی وی ندارد، حتی بین بیکاران نیز مسئله تبعیض نژادی را از نظر دور نمی دارد. بطوریکه از ۵/۸٪ بیکاران سال گذشته، تنها ۵٪ سفید پوست و بقیه رنگین پوست بوده اند.

بر اساس آمارهای منتشره در صد بیکاران بین سیاه پوستان همواره - رقمی افزون تر نسبت به سفید پوستان بوده و حتی اغلب موسسات در آمریکا که به نیروی کار نیاز دارند رسماً از پذیرفتن سیاه پوستان سر باز میزنند.



از سوی دیگر کشاورزان ایالت جورجیا و هشت ایالت جنوبی دیگر، در اعتراض به سیاست کشاورزی دولت ریگان، به مدت دو روز دست به تظاهرات زدند. این کشاورزان خواستار قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی و یوکا هش مالیاتهای سنگین هستند که عمدتاً بر خرده کشاورزان فشار میآورد.

کشاورزان میگویند، سیاست کشاورزی دولت ریگان، بدون تکیه به نیازهای واقعی کشاورزان توجهی بنمایید، طرحریزی شده است. و این یک واقعیت است. چرا که سیاست توسعه طلبانه امپریالیست آمریکا نمیتواند در اندیشه منافع کارگران و روستائیان باشد، بلکه لزوماً با پدید آمدن سیاست سرکوب و مبارزات زحمتکشان در داخل و جنبشهای رهایی بخش در خارج که موجبات تنگتر شدن محدوده بازارهای انحصارات جهانی برای مسدود سرمایه های امپریالیستی فراهم میآورد، قرار داشته باشد و بیسی دلیل نیست که با تشدید بحران امپریالیسم توسل به میلیتاریزم و ارتجاع سیاسی را تشدید کرده است.

وزیر دفاع این کشور، افزایش

## نخستین حرکت اعتراضی توده ای علیه ریگان

در پی طرح اقتصاد دیربگان و پیشنها دوی مبنی بر قطع ۳۷۸ میلیون دلار که بابت غرامت ناشی از بیماری های ریوی به کارگران پرداخت میشد، ۱۶۰ هزار تن از کارگران معادن ذغال این کشور، در ۹ مارس اقدام به راهپیمایی و اعتصاب کردند و سرانجام نمایندگان صنایع معادن ذغال را به پذیرش عقدیک قرارداد آزمایشی واداشتند.

با آنکه متن قرارداد تا کنون منتشر نشده، اما این حرکت اعتراضی کارگران که در سطحی گسترده صورت گرفت، بیان آشکار بحران است که

جامعه سرمایه داری را در بر گرفته و بطوریکه حتی دولت یک کشور امپریالیستی چون آمریکا را مورد تهدید قرار داده است.

در تاریخ ۹ مارس، کارگران معادن ذغال و خانواده هایشان در اعتراض به طرح اقتصاد دیربگان مبنی بر کاهش پرداخت غرامت و کمک مالی، به سوی کاخ سفید راهپیمایی کردند. در حال حاضر ۴۵۰۰۰ تن از کارگران و خانواده های بی سرپرست از این کمک هزینه مالی استفاده میکنند.

در این راهپیمایی کارگران از کار افتاده که با عصاره می پیمودند و کارگرانی که بر صورتشان هنوز اثر سیاهی ذغال برجای مانده بود و همسران کارگرانی که بر اثر بیماریهای ریوی گشته شده بودند، شرکت داشتند. جمعیت خشکین فریاد میزد: "ما از مبارزه دست نمی کشیم". و یکی از کارگران معادن ذغال که پنج سال است در این معادن کار می کند می گفت: "نمیدانم که یک کارگر معادن ذغال چه می کشد، شما گاهی تا سه قدمی خودتان را بدلیل غبار ذغال نمیتوانید ببینید".

مبارزات کارگران معادن ذغال آمریکا در قالب اعتصابات کارگری

# سابقه تاریخی خیانت‌های حزب توده

بقيه از صفحه ۹

کننده نفت ومايحتاج نفتی اسرائیل و آفریقای جنوبی، دارای قراردادهای متعدد در روابط متقابل با اسرائیل، تبدیل کننده ایران به یکی از بزرگترین پایگاههای جاسوسی آمریکا و... و اینها همه سیاستهای خارجی است که از نظر "خط اصولی" حزب توده "مثبت" ارزیابی میگردد.

## حزب توده:

"برنامه پنج ساله چهارم (منظور برنامه های عمرانی شاه است) کاملاً مبهمی در جهت صنعتی کردن کشور است... اشتبا خواهد بود اگر به جهت مثبت تحولی که از این جهت در کشور روی میدهد توجه لازم نشود یا به آن کم بها داده شود." (دنیا شماره ۳ - سال ۴۷)

این موضعگیریها درست در زمانی است که دیگر نقش ژاندارم منطقیه بطور کامل به شاه واگذار شده بود. شاه که خود را برای سرکوب خلق ظفار آماده میساخت بلندگوهای تبلیغاتی خود را بکار انداخته بود و فریاد میزد "دخالت هر نیروی خارجی در منطقه با مقاومت شدید روبرو خواهد شد" این فریادها و تبلیغات دقیقاً در جهت سیاست امپریالیستی سپردن نظم منطقه به دست ژاندارم منطقیه و برای مقابله با حضور ناوگان شوروی در منطقه بود. اما حزب آنرا گامی در جهت "استقلال سیاسی" و "مثبت" ارزیابی میکرد.

## حزب توده:

"سیاست دولت ایران در ارتباط با تجاوزات بین المللی امپریالیستی (دخا ورمیانه، دروینتام و...) به طرز نسبی مثبت است" (مصاحبه داود نوروزی عضو کمیته مرکزی حزب توده - سال ۱۳۵۱)

و از این تحلیلها بسیار از "حزب توده" باقیست و این رشته سر دراز دارد. اما "حزب توده" فقط به تعریف و تمجید و تبلیغ سیاستهای "شاهانه" اکتفا نکرد بلکه با ایجاد تشکیلاتی بنا به تشکیلات تهران که از ابتدا ساواکی مزدوری بنام عباس شهریار در رأس آن قرارداد داشت مبارزین بسیاری را نیز به کتف زندانها و به

"حزب توده در پیروی از همیمن سیاست خود جنش خلق در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ را "توطئه فئودالها و زمینداران و محافظ ارتجاعی روحانی" میخواند و آنرا جنبشی ارتجاعی ارزیابی میکند. (رادیوی حزب توده "رادیوپیک" - در عین حال مراجعه شود به کتاب تاریخ نوین ایران نوشته ایوانف که این کتاب بارها مورد تائید کامل "حزب توده" قرار گرفته است) در اینجا بخاطر بسیار دید که رهبری این جنبش در دست آیت الله خمینی بوده است تا بعد پیشکهای "حزب توده" روشن تر و واضح تر گردد.

در سال ۴۷ "حزب توده" مینویسد "برنامه پنج ساله چهارم (منظور برنامه های عمرانی شاه است) کاملاً مبهمی در جهت صنعتی کردن کشور است... اشتباه خواهد بود اگر به جهت مثبت تحولی که از این جهت در کشور روی میدهد توجه لازم نشود یا به آن کم بها داده شود." (دنیا شماره ۲ سال ۴۷) لازم به توضیح چندانی نیست تمام می توده ها پروستاکی که در اکثر "برنامه های عمرانی" شاهانه خراب خراب شده اند، در اثر فقر و فلاکت زمینهای خود را به مفت از دست دادند و راهی شهرها شدند، تمام پروستاکیانی که در اثر حفرچاهای عمیق برای کشت و صنعت ها و اراضی سلطنتی آب مزارعشان خشک شد و به فلاکت دچار شدند، تمام میزجمنکشانی که از روستا رانده و در شهرها و آواره شدند و با فقر و فلاکت برای بقای خود به محقرانه ترین کارها تن میدهند، همه و همه معنی "برنامه های عمرانی" شاهانه را بخوبی میدانند و نگاه "حزب توده" از خارج کشور تحلیل میدهد که باید به "جهت مثبت" این برنامه ها بهیچای لازم داده شود. "حزب" در سال ۵۱ نیز عمل دولت "در جهت صنعتی شدن کشور را حرکاتی که هر چه بیشتر در جهت خواست مردم است مینامد و مینویسد "در سالهای اخیر پیروزیهای مهمی در عرصه های صنعتی کردن و الکترونیکی کردن کشور بدست آمده و سیستم آموزشی شکل گرفته و گسترش یافته و... (مصاحبه داود نوروزی عضو کمیته مرکزی "حزب توده" سال ۱۳۵۱)

"حزب توده" به این صورت هم صدای "بالائیها" به تعریف و تبلیغ - سیاست های "ملوکانه" میپردازد. هرگاه تبلیغات رادیو و تلویزیون رژیم گذشته را بخاطر بیباوری و پندشاهت جملات آن با این جملات بیشتر آشکار میشود. تداوم "خط اصولی" "حزب توده" کار را بجایی میرساند که حزب خائن به توده در سال ۵۱ مینویسد: "سیاست دولت ایران در ارتباط با تجاوزات بین المللی امپریالیستی (دخا ورمیانه، دروینتام و...) به طرز نسبی مثبت است" (مصاحبه داود نوروزی عضو کمیته مرکزی حزب توده - سال ۱۳۵۱) بله، جمله را دوباره بخوانید و سپس شاه را بخاطر بیباوری و بیباوری ژاندارم منطقه، سرکوبگر خلقها، جلاد خلق ظفار، بزرگترین تا میسن

پای چوبه های اعدام فرستاد. ممکن است در نظرها و بنظر آید که "حزب" در این مورد مقمر نیست و مسلم است که عمداً چنین عجزی را در رأس تشکیلات خود قرار نداده است. در عین حال که فقط تشکیلاتی که بر مبنای با ندیای و محفل بازی، فرصت طلبی و خماشل بورژوازی و حاکمیت ایورتونیم بر آن ایجاد گردد اجازه رسوخ به چنین عناصری میدهد و ساواکی ها در آن لانه میکنند (چنانچه بعداً زقیام هر از گاهی یک ساواکی توده ای افشا میگشت) اما "رهبران خائن" "حزب" با وجود تمام می گزارشات متوالی که از لورفتن های بیموقع، دستگیریهای بیجا و کثافتکاریهای فراوان در تشکیلات تهران بدستان میرسد بمدت حدود ۱۰ سال به شهریار اجازه دادند تا آزادانه تشکیلات تهران را رهبری کند و به تکرار انقلابیون بپردازد. از جمله "دستاوردهای" این خیانت "حزب توده" دستگیری و در نهایت شهادت رفیق بیژن جزینی و همزمانش را میتوان نام برد.

در چنین شرایطی که فراریان و خارج نشینان "حزب توده" در تمام ایضا ممکن به خیانت مشغولند، جنبش نوین کمونیستی ایران شکل میگردد و ساواکی های فدائی خلق ایران در میان خون و گلوله متولد میگردد. اما این حرکت به مذاق رهبران راحت طلب حزب خوش نمیآید و نگار که خواب خوشان و تائیدهای وقیحانه شان از "انقلاب سفید" بهم خورده باشد به فحاشی میپردازند. رفقای پرزمنده ما را وقیحانه "ترقه یاز" و "جوانان روشنفکر تریا نشین" و... مینامند و مبارزه مسلحانه را رژیم را بهزبان و شیوه ممکن محکوم میکنند.

گروههای "ماورا" چپ "زیر عنوان مبارزه مسلحانه چنان نظریات ضد مارکسیستی، ضد لنینی را عرضه میکنند که برای انقلاب هلاکت با راست (رادیو پیک سال ۱۳۵۱) مشخص نیست که حزب خائن توده مبارزه مسلحانه با رژیم شاه را برای کدها "انقلاب هلاکت یار" میدانند اما آنطور که از تحلیلهای "حزب" که گوشهائی از آن آورده شد بنظر میرسد چنان مبارزه ای تنها برای "انقلاب سفید" شاهانه هلاکت با راست و پس زیا "حزب توده" مینویسد "اینسان (چپ رها) نمیخواهند این واقعیت را بیندیند که همین اصلاح ارضی همین کورش صنعتی کردن کشور همیمن شنا سائی حقوق زنان... خود در آخرین تحلیل بخشی از خواستهای میسر مردم ایران است" (دنیا شماره اول سال ۱۳۵۲) "حزب توده" وقیحانه سیاستهای شاه را تبلیغ میکند و مثلاً تبدیل هر چه بیشتر زنان به کالی برای داری و ترویج بی بندوباریهای کثیف امپریالیستی را "شناسایی حقوق زنان" مینامد و به زبان بی زبانی میگوید "حالا که شاه دارد - خواستهای میسر مردم را برآورده بقیه در صفحه ۱۷



# سابقه تاریخی حیاتهای حزب توده

بقیه از صفحه ۱۶

شعار تاکتیکی روزیدل کنیم (دنیا ویژه ناممه ۵)  
هرگاه این جملات سریشیده را یا زتر کنیم آنوقت دیدگاه "حزب توده" - روشن تر میگردد. باید بدنبال جناحی از هیئت حاکمه (یعنی جناحی از اردو دسته شاه) گشت که واقع بین تر و با کمتر "واقع بین تر و با کمتر" شود و عناصر و گروههای از درون طبقات هیئت حاکمه ایران پیدا کرد که "نظریه" و "وضع و احوال و تحول شرایط" بتوانند از مواضع ترفیخواها نسه پشتیبانی کنند (حزب تا کید میکند که این جناحها و افراد "نیروهای قایل توجیهی" را تشکیل میدهند) آیا این عناصر و جناحها چه کسانی میتوانند باشند؟ آیا این عناصر بجز آموگرانند که از هویدا "واقع بین تر و با کمتر" است یا احیاناً چون انصاری، حتی اگر بسیار بگردیم بیه "حزب توده" هم تخفیف بدهیم و قبول کنیم که این عناصر از درون هیئت حاکمه نباشند و از بیرون هم بتوانند پیدا شوند آیا بجز بختیار رخص دیگری مورد نظر "حزب توده" است؟ آیا "حزب توده" در این تحلیلها سخنی بجز این میگوید که "حال که مردم شاه را نمیخواهند بهتر است قبل از آنکه خطری بروز کند و مصالح عالییه میهن را بیشتر بخطر بیاندازد باید افراد واقع بینتری (مثلاً ولیعهد) و یا احیاناً آموگران، انصاری و حداکثر بختیار را بر سر کار آورد؟ البته مساله یک شرط مهم دارد و آن اینکه باید به "حزب توده" نیز اجازه فعالیت علنی و خرید و بیاد دفتر داده شود! آیا شعار "حزب توده" که از بس مهم است باید به "شعار تاکتیکی روزیدل شود بجز اینست که "درود بختیار".

## حزب توده:

"حزب توده ایران بعنوان حزب طبقه کارگر ایران طبعاً ترجیح میدهد که جناح سولمترو واقع بین تر هیئت حاکمه زمان مور را بدست داشته باشد تا این قشر سولمترو ششم گرا بیگانه مصالح عالییه میهن را به خطر انداخته است. از نظر ما این مساله آنقدر مهم است که میتواند نیم این نوع انتقال قدرت را به یک شعار تاکتیکی روزیدل کنیم." (دنیا له ویژه ناممه ۵)

حتی با اوچگیری جنبش خلق نیز "حزب توده" دست از خیانتهای اصولی "خود بر تمیدار و حزب اولین شاره های قهر خلق، قبیسم قهرمانانه، خلق تبریز را کسار ساواک و اراذل او و یاش مینامد. رژیم بنابه شیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و او با شان ساواک در تقلات ایمن بر بر بیست آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه، قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهرات

بینه در صفحه ۱۹

ایران در عین اینکه از اقدامات ترفیخواها نه که به منظور از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و نیز اقداماتی که در جهت صنعتی کردن مدرنیزه کردن کشور میشود پشتیبانی میکند... برای بدست آوردن حق حزب ما و سایر سازمانهای دمکراتیک در بدست آوردن فعالیت های قانونی در کادر قانون اساسی ایران مبارزه میکند. (مردم شماره ۹ سال ۱۳۴۹) و حتی تا آنجا پیش می رود که خواستار "تغییر مشی رژیم سفاک پهلوی" میگردد. مردم ایران باید با مبارزه خود هیئت حاکمه را به تغییر مشی و ادارت مبارزه در این قسمت بدست آورند همیشه بضرورت حادثه روزیدل شده است... (مردم شماره ۱۳۵۱) مفهوم جملات بسیار روشن است نه تنها هیچ سخنی از تغییر رژیم، و یا حتی تغییر مهره های رژیم یا سرنگونی شاه... نیست بلکه از سیاستهای ترفیخواهانه شاه نیز تمجید میشود و فقط "حزب معتقد است مردم باید مبارزه کنند و رژیم را به تغییر مشی و ادارت و این چیزی نیست جز شعار شاه با بدسلطنت کننده حکومت".

بتدریج برآورد پیش طلایه های جنبش اوج گیرنده خلق "حزب توده" که بار دیگر مواضع را در حال تغییر می بیند پشتک میزند و این بار بیه مخالف شاه بدل میشود ما در این شیوه جدید نیز "خط اصولی" خود را حفظ میکند و فقط سعی دارد از راه تا نشیند و تکریم "بالائیها" حرکت نماید. حزب مینویسد: "در درون طبقات هیئت حاکمه ایران گروهها و عناصر وجود دارند که نظریه و وضع و احوال و تحول شرایط میتواند از این یا آن موضع ترفیخواهانه از این یا آن شعار رضا مپریالیستی از این یا آن خواست دمکراتیک پشتیبانی نمایند و با بنظر ما در درون طبقات حاکمه کنونی هم اکنون نیروهای قابل توجیهی را میتوان دید که هر یک با انگیزه معینی با ادامه رژیم کنونی مخالفت میورزند و حاضرند در صورت پیداشدن درونمای آئیندیش در این راه همکاری کنند" (دنیا شماره ۷- سال ۱۳۵۴) و همچنین در جایی دیگر ذکر میکنند "حزب توده ایران بعنوان حزب طبقه کارگر ایران طبعاً ترجیح میدهد که جناح سولمترو واقع بین تر هیئت حاکمه زمان مور را بدست داشته باشد تا این قشر سولمترو ششم گرا بیگانه مصالح عالییه میهن را به خطر انداخته است. از نظر ما این مساله آنقدر مهم است که میتواند نیم این نوع انتقال قدرت را به یک

میکند شما با مبارزه مسلحانه مزاحمت نشوید شما بدکه پیشمان شده دست از برآوردن خواسته های توده ها بردارد. "حزب" همچنان به پیش مینماید و عرضه های نوینی از خیانته به خلق را تجربه میکند.

## مبارزات "حزب توده" بار رژیم شاه!!

حال بهتر است پس از بررسی خیانتهای "حزب توده" کمی هم به بررسی "مبارزات" آن رژیم بپردازیم. "حزب توده" در سال ۴۹ یعنی در شرایط سرکوب و خفقان رژیم و در شرایط شکل گیری مبارزه مسلحانه مینویسد: "حزب توده ایران را کدام مرجع قضائی کشور غیر قانونی اعلام کرده است در کدام دادگاه ثابت شده که مرام و یا رویه حزب توده ایران با مقررات قانون ۱۳۱۰ انطباق دارد. یعنی بنا به اصلاح قانون ۱۳۱۰ مرام و رویه اشتراکی است یا ضدیت با سلطنت مشروطه؟ ایران است" (مردم شماره ۱۳۴۹).

## حزب توده:

"آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه تنها باید با براندازی ختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ به نظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق موجود میتواند هنوز به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرار جمهوری که خود از خواسته های مردم و حزب ما است، نباشد" (سوی حزب شماره ۱۰ سال ۱۳۵۲)

"حزب توده" و قیام نه فعالیت علنی و آزاد را از شاه گدائی میکند. دقت کنید که "حزب" در مورد صلاحیت "مرجع قضائی کشور" (مثلاً دادگاههای نظامی رژیم شاه) و بنا بر قانون سپاه ۱۳۱۰ رضاشاهی تردیدی بخود راه نمیدهد فقط سعی دارد ازادی خود را گدائی کند و به همین دلیل میگوید: "چه کسی ادعا کرده مرام ما اشتراکی (کمونیستی) است چه کسی ادعا کرده ما مخالف سلطنت مشروطه ایم ما شدیداً این مسائل را تکذیب میکنیم!" "حزب توده" حق دارد، تهمت های ناروایی به او زده اند و واقعا شاه خائن میبایست بسپار ظالم و نمک شناس باشد که با تمامی موضع گیریها و پشتک های "حزب توده" با زهم آنها را کمونیست و مخالف سلطنت مشروطه بحساب بیاورد ولی بهر حال "حزب توده" که از این چایلوسی ها نصیبی نمی برد به مبارزه روی می آورد! و مینویسد "حزب توده

### با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

### دو افشاگری به نقل از:

### بامی استار...

بقیه از صفحه ۲۱

میباشد. بامی استار ضمن چاپ عکس از کفعمی در کنار علم، سرسپرده دربار شاه مینویسد: «پرونده سنگین کفعمی تنها به جاپلوسی برای علم و مثال او محدود نمی شود بلکه هما نظور که تمام مردم زاهدان واقفند او به یمن خیر چینی و جاسوسی و خرابکاری و ناسندن مبارزینی چون فدائیان شهید غلامرضا گلوی، جیره و مواجب از ساواک دریافت میکرد.

این نشریه سپس در معرفی ایمن اما م جمعه که همایونک نیز انقلابیون منطقه را تحت فشار میگذارد مینویسد: «وی از او خراسان ۵۷ هنگا می که اربابان خود را در حال فرار دیده کسوت نظا هر کنندگان پیوست اما هما نمود هم سعی داشت از ادیکال شدن تظاهرات و شعرا را جلوگیری کند. او با تشکیل شبکه ای از جاسوسان و خبرچیان خود، از طرح شعرا را با نقلابی و پخش علامیه های روشنگرانه سازمان جلوگیری مینمود...»

دوربین خواهر و برادر	۲۰۰۰	۸۲۱	۱۰۶۶۶	۱۰۰۰۶	۱۵۷۵	الف
ازورامین ۲۵۰۰	۷۰۹	۱۸۰۰	۲۳۱۵	۹۸۲	۱۲۰۲۴	۲۰۴
خدیجه ۵۰۰۰ ریال	۱۱۲۲	۵۷۲۲	۵۱۰۰	۱۲۲۲	۶۰۲۸	۱۰۲۶
رفقای لندن ۹۶۰ (پ)	۱۰۰۰	۲۸۹۸	۱۰۲۲	۷۰۳	۵۰۳۵	۲۹۴۹
رفقای داراب	۱۹۵۰۱	۶۴۰۰	۳۱۰۰	۱۰۲۲	۵۵۶	۵۰۲۷
دانش آموز جنگ زده	۱۰۹۱	۲۳۲۱	۲۹۶	۴۵۰	۱۴۲۵	۱۰۴۴۴
رفیق خانه دار از جهرم	۱۰۹۲	۵۵۲	۶۲۷	۳۲۰۰	۱۵۱۵۰	۲۰۱۶۵
رفیق ششم ۵۰ ریال	۲۵۵۵	۱۱۲۲	۳۰۳۰	۵۱۱	۱۰۱۱۱	۵۰۱
رفیق مادر از آمل	۵۸۸	۵۵۰۰	۳۵۲۴	۱۰۰۱	۱۰۹۲	۱۰۵۲
دانش آموزان سیارکلا	۲۰۶۶	۱۰۰۱	۵۵۴۴	۷۱۱۵	۲۰۳۵	۱۷۱۵
رفیق ماد و ۵۰۰ ریال	۲۱۱۱۲	۶۲۲	۱۱۲۸	۵۵۴۱	۱۹۷۸	۱۶۳۶
رفیق بینکام سر بندر	۲۴۱۱	۱۱۰۰	۵۵۰	۱۱۰۰	۵۰۱۳۱	۱۰۱۹
رفقای هفت تپه	۱۵۱۹	۱۱۱۱	۵۰۰۰	۱۳۷۵	۴۵۳۰	۲۲۲۲
رفیق نسیم ۵۰۰ ریال	۱۱۰۲	۱۱۲۵	۱۵۰۰	۱۰۶۲۲	۲۱۲۲	۱۶۵۰
رفقای نقده (سلدوز)	۲۲۰۰	۷۱۲	۵۰۰	۱۰۵۲	۵۱۰۰	۱۱۰۰
ارومیه ۴۲۵۰۰	۱۰۲۰۰	۲۷۷۱	۱۵۰	۳۰۶	۵۱۰۰	۶۰۰۰
رفقای کالج	۱۵۰۴	۱۰۱۲۵	۵۳۱۵	۲۲۲۲	۱۱۱۰	۶۰۰
رفقای خیابان صفا ۴۵۰۰ ریال	۱۵۲۰	۵۵۰	۱۲۲۵	۱۶۱۱	۱۱۱۰	۱۲۳۵
رفقای هندوستان ۱۲۲	۱۰۰۲	۱۱۰۰	۱۰۰۳	۳۰۰۲	۲۲۲۲	۵۸۹
م - س ۷۱۰	۵۰۰	۳۰۰۲	۲۷۷۷	۲۱۱۱	۵۵۰	۵۰۵
ک - ل ۵۰۰	۲۴۲۲	۲۰۰۰۲۷	۱۰۰۵	۱۱۱۳	۵۵۰	۵۰۰
رفقای فیروزکوه ۱۵۰۰۰ ریال	۵۲۵	۵۲۴۲	۳۰۰۰	۱۰۴۶	۷۰۵۵	۶۳۹
دماوند ۳۰۲۷	۶۱۳	۵۲۲۱	۲۶۰۰	۱۱۱۶	۶۲۸۹	۷۲۲
شهری ۲۰۰۰	۱۰۲۸	۶۲۶۲	۱۰۲۸	۵۷۸۶	۷۳۱	۱۴۳۲
دانش آموزان بینکام	۲۳۴۱	۱۰۲۰	۲۴۴۴	۱۴۲۰۰	۱۴۱۰	۳۵۱۵
ارومیه ۱۰۰۰۰	۶۴۰	۳۰۷۵	۵۱۳	۲۱۱۱	۱۱۲۵	۱۵۰۱
عشق از ارومیه ۳۱۷۷	۶۰۰	۳۰۵۰	۱۵۴۲	۲۰۰۸	۹۴۱۴	۵۳۳۴
کینید - س - ۵۱۴۷	۱۲۲۹	۱۱۱۲	۱۰۱۴	۵۰۲۲	۵۳۰	۵۲۰
رفقای هوادار سازمان	۲۰۰۰	۲۰۹۱۷	۱۰۱۲۲	۵۵۵	۵۱۲۳	۲۰۵۰
مقیم آمریکا	۱۰۰۰	۸۱۵	۵۵۵	۲۶۲۲	۵۲۵	۳۰۰۰
۳۰۳۰ فرزندان	۶۴۵	۴۱۲۵	۲۶۲۲	۵۰۰۵	۱۰۰۲۰	۱۵۰۴
ک ۲۲۱	۴۰۰	۱۰۲۲	۲۰۲۲	۵۰۰۵	۵۰۵	۱۰۱۸
د - م ۳۱۳	۳۳۰	۲۰۵۵	۲۰۵۵	۱۰۳۹	۲۲۰۰	۱۱۹
س ۱۰۰۰	۵۵۰۵	۱۶۵۱	۶۶۴	۱۰۲۵	۳۰۰۰	۱۰۰۱۹
ب ۳۵۰	۱۰۰۹۹	۸۲۴	۱۵۷۲	۴۵۲۰	۲۱۱	۵۵۳
پرتلند ۳۶۰	۱۱۰۱	۲۲۱	۱۵۷۲	۴۵۲۰	۲۱۱	۱۲۲۲
امانت شمارسید	۲۰۰۰	۴۰۰۰	۲۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰	۱۱۰۵
بیشگام فاطمه امینی	۲۷۲۲	۲۱۱۱	۱۹۰۰	۶۷۶۷	۳۳۰۰	۲۹۱
رسید	۴۰۰۴	۲۲۰۰	۱۳۱۲	۱۰۰۰	۱۰۲۲	۶۰۰
رفقای اسکاتلند گلرخی ۱۵۰۰	۱۴۴۱	۲۰۹۹	۲۷۴۴	۶۰۲	۵۵۳۵	۱۰۰۰
دبیرستانان رم تبریز	۱۷۰۲	۲۰۹۹	۵۵۰۰	۱۴۲۱	۲۰۲۷	۱۰۰۰
ه - ک ۵۰۰۰۲	۲۰۹۱	۱۱۰۴	۱۵۲۱	۵۷۲	۲۲۰۰	۱۰۲۰۰
دبیرستان اعظم	۲۶۱۳	۱۰۰۰	۱۲۳۱	۱۵۳۱	۱۶۴۴	۷۸
طالبانی ۵۶۳	۱۱۲۳	۱۱۰۲	۲۰۱۰	۱۵۳۱	۱۶۱۱	۱۴۹۹
آبتین ۱۵۰۰	۶۲۳	۲۰۰۱	۲۱۰۰	۱۰۲۴	۲۱۲۱	۱۱۰۱
لاله ۵۰۰	۶۰۵	۵۲۳	۲۰۲۲	۱۰۸۵	۱۰۴۱	۱۴۲۱
	۱۰۰۳۲	۱۱۰۰	۳۶۴	۳۱۰۰	۶۲۲۲	۱۰۴۵۶
	۵۰۹۱	۲۸۶۱	۶۳۲۲	۱۰۰۸	۲۱۵	۱۰۱۲۳
	۵۲۶۵	۱۰۳۳۳		۱۰۳۰	۱۰۱۰	۲۹۸۱

سازمان چریکهای فدائی  
عقدار را به دست آورد  
فدائیان وطن ایران فرستاد  
از راه بسیجی فرستاد  
که به موفق شود و ما از جنگ نرا آزادماند  
نشریه کار به چاپ رسانید

۲۰۰ - د	۶ - و	رفقای هوادار سازمان
۵۰ - د	W.S.U.	مقیم آمریکا
۲۰ - د	K-M	۳۰۳۰ فرزندان
۴۰ - د	T - T	ک ۲۲۱
۱۵۰ - د	ش ۹۹۹	د - م ۳۱۳
۱۲۰ - د	T - T	س ۱۰۰۰
۱۸۰ - د	آتلانتا	ب ۳۵۰
۱۰۰ - د	نیویورک	پرتلند ۳۶۰
۵۹۰ - د	T - S	
۸۰۰ - م	رفقای بیلفلد	امانت شمارسید
۱۵۰۰ - م	س - خ ۹۵۰ - ۱۰۰	ب - ۳۳۳
۵۰ - م	ع - ن ۹۴۸ - ۹۵۰	رفیق یوسف
۱۰۰ - م	ب - پ	رفقای استراسبورگ آلمان غربی الف
۴۸۰ - م	مابینس م - ۶۵ - ۴۸۰	رفیق م
۳۰۰ - م	م - ۵۱۰۰ - ۳۰۰	رفیق م - ۵۰۰
۳۰۰ - م	آلمان غربی مونستر	ف. ۵۲۴ (نامه)
۳۰۰ - م	س - ۲۳۰۰ - ۳۰۰	رفیق ج
		رفیق س ۱۱۱ (کتاب)
		رفیق ناهید



## پای صحبت دهقانان بروجرد



شهر بروجرد بیش از صد روستا دارد که در هر کدام جمعیتی بالغ بر پانصد نفر زندگی میکنند. کشت عمده این روستاها گندم است اما کمبود آب بخصوص در سال گذشته باعث شده که اکثر زمینهای این ناحیه بزیب کشت نرود. اکثر این روستاها فاقد امکانات رفاهی و بهداشتی بوده و با وجود تقاضای مکرر روستائیان، دولت تا کنون کوچکترین کمکی به آنها نکرده است. این مشکلات سختی کار زندگی در روستاها، باعث روانه شدن سیل روستائیان جویای کار به شهرها شده است. در این رابطه، دهقانان این ناحیه، در دلدل‌های خود را با "گار" در میان گذاشته اند.

دهقانی از روستای قلعه نیمرخان میگوید: "در روستای ما یک حمام است که حدود ۱۰ سال پیش ساخته شده. این حمام یک خزینه کوچک دارد که تمام اهالی ده با بیدران استحمام کنند. چند بار پیش مقامات مسئول رفتیم تا شاید این حمام را تعمیر کرده و یا حمام دیگری برای ما بسازند ولی جز وعده و وعید، جوابی به ما ندادند."

دهقان دیگری اضافه می‌کند: روستای ما که لب جاده است یکسال است مدرسه اش معلم ندارد و چهار سده روستاهایی که در فاصله دوری از جاده قرار دارند، یکی دیگر از روستائیان می‌گوید: "دولت یک جاده برای یک

## بزرگداشت ۷ فدائی شهید...

بقیه از صفحه ۵

شهید بیا م خانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - مصاحبت شهدا در این رفقا را خواند و بعد ما در رفیق بیژن جزئی پشت تریبون قرار گرفت: ما در بیژن گفت "من ما در فدائی شهید بیژن جزئی و خواهر فدائی شهید سعید کلانتری هسنم، ما دری که احساس میکنند یک فرزند بلکه صدها فرزند فدائی و هزاران فرزند خلق را از دست داده است، لکن من فرزندان - مبارز بسیاری را دارم که پرچم خوبی مبارزه شهدای ما را بردوش دارند و همواره با ما شهیدان زورا پرا فتنکار آنها الهام بخش مبارزاتشان خواهد بود."

سخنران بعدی این مراسم، مادر شهید فدائی عزیز سردی بود. او در سخنرانی کوتاه خود، وضعیت فرزندان در زندانهای شاه را توضیح داد و گفت "یکبار چنان شکجه اش کرده بودند که احساس میکردم گرمی کشتندش بهتر بود" مادر عزیز گفت "از اسفند ۵۳ - دیگر عزیزان را ندیدم تا شهدا دش را در روزنامه ها جیره خوار رژیم دیدم. ضمن سخنرانی ما در سمدی فاندلای حزب اللهی که یکبار در آغا زمر اسم خودی نشان داده بودند مجدداً پیدایشان شد و شروع به پرتاب سنگ کردند اما با مشاهده ما دگی انتظامات مراسم و تشکل جمعیت با زهم عقب نشینی کردند و از جمعیت دور شدند اما سراغ اتومبیل های پارک شده در بهشت زهرا رفتند و با شکستن شیشه و پنجره و بیخوردن آنها فاندلای خود را تا بست کردند. جمعیت در این هنگام شعار میداد "انقلاب انقلاب هنوز ادامه دارد، شکجه، اختناق دیگران ندارد."

پس از ما در سردی، مادر فدائی شهید رفیق احمد جلیل افشار از مبارزات فرزندان در سالهای سیاه اختناق، از زندان و شکنجه و از وحشیگری های ساواک گفت و سپس پیام سازمان خوانده شد و از شهدای فروردین ماه سازمان، با نام تحلیل عمل آمد. در این مراسم، بخش‌های زیبا همسای "راه کارگر" خانواده شهدای سازمان پیکار، جناح، کارگران پیشرو و دانش آموزان پیشگام خوانده شد و مراسم شعرهای زندانی سیاسی آزاد با یکدیگر کرد، شکنجه و احتنا قیام بود با یکدیگر کرد و زور، شکنجه، زندان، بیخفا کارگران آزاد سیاسی شعر از محمدرضا شاه را تمام رسید.

\*\*\*

روستا می‌سازد و ده دفعه تبلیغ می‌کند، که برای روستاها جاده کشیده است. اگر دولت راست می‌گوید، بیاید، در همین اطراف بروجرد صدتا روستا نشان بدهیم که حتی تا نشان راهم نشنیده باشند چه رسد به اینکه به وضع شان رسیدگی کرده باشند."

با شروع جنگ دولتهای ایران و عراق وضع این روستاها بدتر از پیش شده است. با وجود سرمای شدید لرستان به هر خانواده در هفته کمتر از ۲ لیتر نفت می‌رسد و بیخا طر وضع بد جاده ها و فاصله زیاد روستاها نسبتا شبیه های نفت، حمل و نقل مواد سوختی با مشکلات زیادی همراه است و بگفته یکی از روستائیان: "مگر هلی کوپتر داشته باشی که به شعبه بروی" دهقانان می‌گویند: بعد از قیام دولت وعده داده که بول نفت را برای تا مین خواسته های زحمتکشان بکار بیاندازد ولی در طول دو سال گذشته نه تنها کوچکترین گامی در این جهت برنداشته بلکه ما را از خود نفت هم محروم کرده است.

برانداختن سلطنت بطور کلی همسراه باشد؟ به نظر ما نه. حتی زبیر رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق موجود مینواند هنوز به معنی آزیب رفتن سلطنت و استقرار جمهوری که خود از خواسته های مردم و حزب ما است، نباشد" (بسیوی حزب شماره ۱) سال ۱۳۵۷) توجه کنید "حزب توده" در سال ۱۳۵۷ یعنی در اوج مبارزات خلق ایران جملات را مینویسد و بدین طریق تنها آخرین لحظات نیز خیانت به خلق را "خط اصولی" خود میداند و به آن ادامه میدهد. در حقیقت "حزب توده" قبل از قیام مخلق حتی پارافراتر از عقب مانده ترین شعار لیبرالهائی چون سنجایی و فروهر و پارک زنگنه و حتی "بختیار خائن" یعنی شاه بایسد سلطنت کندنه حکومت نهاد و بدین طریق با کوله باری مملو از خیانت به خلق، خود را تا مطلق قیام کشانید تا بتواند با پشتک‌هایی نوین "خیانت های اصولی" خود را تداوم بخشد.

ادامه دارد

## سابقه تاریخی خیانت‌های حزب توده

بقیه از صفحه ۱۷

زده بودند مورد آزار و اذیت و تعقیب قرار دهد" (نوید فوق العاده - ۹ اسفند ماه سال ۱۳۵۶) (الته "حزب توده" بعدها این مساله را تکذیب کرد و پیش آن نوید را کارساک واک - نامید اما با سوابق موجود مثلاً انتساب قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ به فتودالها و روحانیون مرتجع، این موضع گیری و پشتک بعد از آن چندان هم دور از ذهن بنظر نمی‌رسد) در شرایطی که میلیونها نفر از توده های خلق در خیا با آنها فریاد می‌آوردند "مرگ برای سلطنت پهلوی" حزب توده "بر مبنای" سیاستهای اصولی خود به این نتیجه میرسد که سرنگونی سلطنت لزومی ندارد! "آیا سرنگونی سلطنت استبداد دیشا هتما با بدینا

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

رفقا!

ستون پاسخ به سوالات که مدتی است از نشریه "کار" حذف شده بود، از این هفته مجدداً گشوده می شود. علت این وقفه طولانی آن بود، که تنظیم و ترتیب خاصی نداشت، و گاهی به برخی از سوالات پاسخ داده می شد. طبیعی است که یک چنین وضعی نمیتوانست ادا میابد، ما اکنون پس از رفع پاره های مشکلات، تلاش ما برای آن است که مرتب به سوالات رفقا و هواداران سازمان پاسخ گوئیم تا از این طریق از یکسو مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان و برخی نقاط مبهم آن، تا آنجا که سازمان نظرات مشخص دارد، برای هواداران روشن گردد، و از سوی دیگر رابطه ارگانیک تر و تنگاتنگتری میان سازمان و هواداران پدید آید. ما در این ستون در وهله اول، به سوالاتی پاسخ خواهیم گفت که پیرامون مسائل ایدئولوژیک - سیاسی باشد و در درجه دوم بمسائل دیگر خواهیم پرداخت. تعدادی سؤال در زمینه های گوناگون بمان رسیده است که از این هفته با آنها پاسخ می گوئیم. در چندین مورد رفقا سؤال کرده اند که با توجه با اینکه در نوشته های مختلف سازمان، واژه های "موقعیت انقلابی"، "اعتلا انقلابی" و "دوران - انقلابی" بکار گرفته شده است، تفاوت این واژه ها روشن شود. و ما نیز از این شماره با آنها پاسخ خواهیم گفت.

موقعیت انقلابی

مطابق درک ما تریالیستی - مونیستی از شکل بندی تاریخی زندگی اجتماعی انسان، مرحله انقلاب اجتماعی زمانی فرا میرسد که مناسبات تولیدی از حالت سازگاری با نیروهای مولده به مانعی در برابر رشد آن بدل شود. تضاد این دو مرحله معینی ارزش خود، ستمگر طبقاتی را پدید می آورد. "نیروهای تولیدمادی در مرحله خاصی از رشد خود، با روابط تولیدی به عبارت حقوقی آن با روابط مالکیت، که تا آن هنگام بر اساس آن قرار داشتند، به ستمگر میخیزند. آنگاه است که این روابط از حالت شکل های رشد دهنده نیروهای تولید در می آیند و به مانعی در راه رشد این نیروها بدل میشوند." (مارکس - پیشگفتار بر نقد اقتصاد سیاسی) در این زمان است که دگرگونی نظم اجتماعی یا به عبارت بهتر، دگرگونی روابط تولید و روبنای حقوقی و سیاسی مبتنی بر آن ضروری میشود. انقلاب اجتماعی این دگرگونی را میسر گرداننده و مناسبات تولید نوین، سازگار با خصلت رشدیابنده نیروهای مولده

پاسخ  
به سؤالات

را مستقر میسازد. مثلاً نقض انقلاب بورژوازی ۱۷۸۹ فرانسه، به معنای واقعی یک انقلاب اجتماعی نبود زیرا که نظم اجتماعی حاکم در فرانسه را دگرگون نکرد. در تمام مرحله تاریخی که از این انقلاب تا کمون پاريس ۱۸۷۱ بطول انجامید، بورژوازی بعنوان طبقه ای که رسالت تاریخی نابودی مناسبات پوسیده و کهنه فئودالی را بعهده داشت، با خصلتی مترقی ظاهر گشت. در این مقطع از تاریخ زندگی اجتماعی انسان، اگر چه نگاه نیروهای مولده با روابط تولیدی بورژوازی درست تر قرار گرفتند و پرولتاریا با طبقه حاکم (بورژوازی) در تعارض مستقیم قرار گرفت ولی هنوز مرحله انقلاب اجتماعی از نظر تاریخی فرا نرسیده بود. در مرحله تاریخی بعدی یعنی از سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ بعنوان مرحله ای که سرمایه داری رقابت آزاد به سرمایه داری انحصاری گذار نمود، طبقه بورژوازی خصلت ارتجاعی خود گرفت و رسالت تاریخی - جهانی برای سرنگونی نظم کهنه و جایگزین ساختن نظم نوین و برتر، بدوش - پرولتاریا یعنی انقلابی ترین عنصر نیروهای مولده، قرار میگیرد. مرحله انقلاب اجتماعی فرامیرسد و شرایط عینی برای انقلاب پرولتری در عرصه جهانی، از نظر تاریخی فراهم میاید. بقول لنین "استان انقلاب اجتماعی پرولتاریا" (لنین - پیشگفتار بر میریالیسم لاتین) مرحله سرمایه داری فرامیرسد. اما بلوغ شرایط عینی انقلاب در بعد تاریخی، با موقعیت انقلابی تفاوت دارد. موقعیت انقلابی بطور کلی به وضعیتی اطلاق میگردد که شرایط عینی برای تسخیر انقلابی قدرت در لحظه تاریخی آماده است. مشخص تر بگویم. وضعیت انقلابی از سه نشانه اصلی برخوردار است: اول اینکه یک بحران سیاسی در سطح ملی وجود داشته باشد بدین معنا که طبقات به اصطلاح "بالائی ها" یا "نخنگان اجتماعی و سیاسی" قادر نباشند به گونه گذشته حکمرانی کنند. بحران به اجزاء بلکه تمام میانی سازمانی دولت آنها را دربر گرفته باشد. دیگر حفظ حاکمیت برای این طبقات بدون ایجاد تغییراتی ناممکن است. همچنین اینکه در "طبقات پائینی" میل به تغییر شیوه

حکومتی بالائی ها "و عدم تمکین از آن انباشته شده باشد. دیگر طبقات "پائین" نخواهند به شیوه گذشته زندگی کنند.

دوم اینکه سم سیاسی و اقتصادی بر کارگران و دهقانان و رزمندگان شدت فزاینده خود بگیرد. فزونی ستمی و تحقیر مردم و تجاوز به حقوق اساسی آنها شدیدتر از حد معمول شود. نارضایتی عمومی از لایزال شکاف درون دستگاه حکومت بحران زده به بیرون تراویده و به انفجار و طغیان تبدیل میشود.

سوم اینکه شرایط فوق موجب میشود که توده ها (حتی عقب مانده ترین آنها) به طرز کسریده ای به سیاست روی بیاورند. توده های مردم که تا این زمان در یک حالت خمود بسر می بردند، به واسطه این بحران سیاسی عمومی، از شور فزاینده ای برخوردار شده، بعمل مستقل کشانده میشوند. لنین مینویسد: "هرگاه توده ها تا میل زنده (فعال) به سیاست ابراز کنند، میتوان گفت که شرایط عینی برای تکامل یک بحران فراهم آمده است یعنی آنکه در شرایط یک اعتلا قرار خواهد گرفت که در آن حالت روحی، توده ها بطرز اجتناب ناپذیری از طریق عمل توده ای خود را متحلی میسازند." (در باره "دونا مه" جلد ۱۵ مجموعه آثار) در این وضعیت "اکثریت کارگران متفکر و از لحاظ سیاسی فعال" بضرورت انقلاب پی برده و حاضر به جان بازی در راه آن میشوند این هنگامی است که "مردم آگاهانه نسبت به مشروعیت مطالباتی که توسط افراد پیشرو طبقه کارگر میشود، نهاده باشند... هنگامی که مردم ببینند و احساس کنند که آنهاست که در صحنه جنگ داخلی جان خود را از دست میدهند، رفقای شان و از خودشان هستند و خود را در خیره تنگ و تنگ راهی راهی نیرومند برای نابودی دشمن انباشت کنند." (رویدادهای نوین و پیرسشهای کهنه - جلد ۶).

بدون وجود مجموعه شرایط عینی فوق که موقعیت انقلابی نامیده میشود و مستقل از آماده طبقات و احزاب و گروههای مختلف میباشد، انقلاب رخ نمی نماید. این قانون اساسی تمام انقلابها است. اما هر وضعیت انقلابی به پیروزی انقلاب منتهی نمیشود. روسیه سالهای ۶۱ - ۱۸۵۹ و ۸۰ - ۱۸۷۹ و آلمان و ایتالیا در سالهای ۲۱ - ۱۹۱۸ شاهد بروز موقعیت انقلابی بودند که به انقلاب منجر شد. بدون هماهنگی عامل عینی و ذهنی، موقعیت انقلابی با انقلاب فرامی رود. یک انقلاب پرولتری زمانی تحقق میپذیرد که بر بستر آمادگی شرایط عینی، آمادگی ذهنی پرولتاریا، به بیان روشنتر یک سازمان سیاسی پرولتری که بتواند مبارزه طبقاتی پرولتاریا را بدرستی سازماندهی و هدایت کند، وجود داشته باشد.



## اطلاعیه دادستان کل انقلاب (علی قدوسی) نمایشی از...

بقیه از صفحه ۲

در همین اطلاعیه سرکوب قانونی را هم با نشیوه های پیشین اضافه کرده است. همانطوریکه در ابتدای این مطلب گفتیم شیوه عملکرد رژیم در تدوین این اطلاعیه بسیار محیلانه و زیرکانه بوده است. شگرد آنها اینست که ابتدا به گروههائی که موضع خود را عوض کنند "درباغ سزفعلیت آزادانه" را نشان میدهد و لوقتی آنها از در این "باغ سبز و خرم" با میدفعالیت آزاد عبور می کنند با یک بیابان خشک و بی آب و علفی روبرو میشوند. مواد ۷ و ۸ دقیقاً چنین وضعی را برای گروهها تکیه با میدچشمه سراب کشانده شده اند ترسیم کرده است و عملاً اجازه فعلالیت به هیچ گروه مخالفی نمیدهند ماده ۷ میگوید "کلیه احزاب و گروهها در بیان آراء و افکار سیاسی آزادند بشرط اینکه مشتمل بر دروغ، تهمت و تحریک نباشد." و در ماده ۸ بیشتر محکم کاری کرده و شلاق را بالاتر برده و میگوید: "احزاب و گروهها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کم کاری، تحصن یا هر نوع اخلاق درموسسات مختلف کشور نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند." معنای این کلمات در قافا موس هیئت حا کمه چیست؟ تجربه توده ها در طول ۲۶ ماهی که از حاکمیت جمهوری اسلامی میگذرد اینست که هر نوع فتاوی غلبه دولت بر مردم از آن تهمت تلقی میشود. هر نوع آگاهی دادیده مردم درباره اعمال دستگهای اجرائی، مخفنه و قضا تیه جمهوری اسلامی دروغ و تهمت بحساب خواهد آمد. هر نوع رهنمود که گروهها یسیا یه هواداران داد و بیا مردم را به مبارزه برای احقاق حقوق سیاسی و دموکراتیک خود فرا بخوانند تحریک مردم تلقی خواهد شد! و کافیا است یکی از اعمال فوق انجام شود تا گروه در ش نخته شود. مگر یک گروه سیاسی که یکی از فعالینهای عمده اش افشا گریها یسیا است میتواند چنین افشا گریها نی از برنله اش حذف کند؟ علاوه بر آن اطلاعیه اعتصاب، کم کاری و تحصن را کسه از حقوق ابتدائی هر کارگر، کارمنصود و بطور کلی هر شهرودی است که در اغلب نقاط دنیا بر سمیت شناخته شده. بمنزله حق دفاع کارگران و زحمتکشان در مقابل اجیافات و زورگوتیها و بیهوده کاریها یو حشیا نه کارفرمایان، سرما بهداران و دولتها یجا می آنها می باشد. از مواردی دانسته که گروهها را به تعطیل و تعقیب می کشاند. و نا اخره دولت میتواند کمترین حرکت فعلالیت و اعتراض گروهها را تحت عنوان "هر نوع اخلاق درموسسات مختلف کشور" مورد تعقیب و پیگرد قرار

دهد.

با این ترتیب می بینیم که اطلاعیه هر نوع فعلالیت یک گروه سیاسی یوزیمین (مخالف) یعنی افشا گری سیاسی، نشان دادن ماهیت ارگانهای یرو کراتیک، اداری، نظامی، سازماندهی و رهبری اعتراضات، تحصن ها، اعتراضات و بسیج سیاسی توده ها، راهیما ثنهای اعتراضی و... را غیر مجاز میدانند. این دیگر چه گروه یوزیمین است. آیا این گروه جز شیری بیال و دم و شکم چه می باشد؟! نکته مهم در مورد مواد ۷ و ۸ اطلاعیه اینست که این مواد تنها به گروههای سیاسی منحصر نمیشود بلکه تهدیدی جدی است برای شوراهای، سندیکاها، اتحادیه های صغی کارگران، کارمندان و... که با کوچکترین حرکتی در جهت منافع اعقایی خود تعطیل و تحت تعقیب قرار گیرند. خلاصه کلام اینکه اطلاعیه ده ماده ای دادستان کل انقلاب را میتوان چنین فرموله کرد:

۱- گروه های سیاسی که در خدمت دولت جمهوری اسلامی هستند و حمایت از دولت کار میکنند آزاد هستند و میتوانند قوا تحزبی باشند، در رادیو تلویزیون میا حثه و مناظره کنند، تظاهرات و راه پیمایی کنند و دستگهای انظامی فعلالیت آنها را تضمین خواهند کرد! البته این گروهها باید مواظب باشند دسیت از پا خطا نکنند و گرنه حتی به روزنامه "میزان" هم رحم نمی شود.

۲- گروهها یی که تا کنون مخالف دولت بودند اگر بیا یند و نسبت به رژیم ابراز وفاداری کنند فعلا با آنها کاری نیست ولی اگر بخوانند پایشان را یک وجب از خط بیرون بگذارند منحل میشوند. یعنی باید مبدل به همان "شیری بیال و دم و شکم" شوند.

۳- بقیه گروهها تحت عنوان گروه های که با نظام جمهوری اسلامی اعلام مبارزه مسلحانه کرده اند مطابق مواد ۷، ۸ و ۱۰ اجازه فعلالیت نداشته و تحت پیگرد قرار خواهند گرفت و بر اساس قوانین اسلامی مربوط به محارب با آنها رفتار خواهد شد.

هر چندهما نظوریکه نشان دادیم بر حسب "گروه مسلح" یا "گروهی که علیه نظام جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه" میکنند بهای بی بیش برای سرکوب و خلع سلاح توده هانیت و گرنه همان نظوریکه دیدیم اقشار و طبقات مختلف مردم که در شهرهای مختلف ایران سرکوب شدند نسبت به مبارزه مسلحانه نزده بودند. با این وجود، در اینجا لازم میدانیم نظرم را در باره خلع سلاح و مبارزه سیاسی روشن کنیم: ما بعنوان یک سازمان مارکسیست - لنینیست، بعنوان یک سازمان مدافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش، بعنوان سازمانی که ۱۰ سال سنت مبارزه انقلابی

را پشت سر دارد، شما با سخ میدهم و برخلاف شما که هدفتان صرفاً فریب توده ها است و حقایق را از مردم پنهان میدارید، ما حقیقت را ب مردم میگوئیم منظور شما از طرح یک چنین بیانیسه ها یی فریب توده ها و سرکوب نیروهای انقلابی است و هدف ما نیز افشای این سیاست ها است.

ما بتوده ها میگوئیم، تجربه دو سال گذشته چه چیزی را بشما آموخته است؟ آیا جز اینست که به وعده و وعید اطلاعیه و بیانیسه و حرف نیا یدا اعتماد کرد؟ ما بتوده ها میگوئیم بنایسه تجربه خودتان بحرف اعتماد نکنید و برای اینکه سیاستهای فریبکارانه شما را نزده توده ها افشا کنیم، میگوئیم: آقایان حرف بین است. و راجی بس است! وعده و وعید بس است، عمل کنید، توده ها خودشان بدرستی قضاوت خواهند کرد. ما میگوئیم، حقوق دمکراتیک توده ها را بر سمیت بشناسید، تشکلهای توده ای نظیر شوراهای را مورد یورش و حمله قرار ندهید، حقوق برحق و عادلانه خلق کرد، خلق ترکمن و دیگر خلقهای تحت ستم ایران و حقوق دمکراتیک دهقانان، حقوق دمکراتیک زنان را بر سمیت بشناسید، تشکلهای را بگشا ئید و بگذارید با نظام شورائسی اداره شوند، آزادیهای سیاسی، آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی، آزادی مطبوعات، حق آزادی تشکیل انجمن های صغی، اجتماعات، میتینگ ها، راه پیمایی فعلالیت آزادانه سیاسی را بر سمیت بشناسید، زندانیان سیاسی را آزاد کنید، شکنجه را ممنوع کنید و... ما بتوده ها میگوئیم دولتی که متکی به خلق و اراده توده ها باشد از مسلح بودن توده ها هراس ندارد. دولتی کسه خواستار یک مبارزه قاطع و سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی بسرکوبدی امپریالیسم آمریکا باشد، از مسلح بودن توده ها ابائی ندارد که هیچ، خود نیز خلق را مسلح می کند، مگر در ویتنام ندیدیم که چگونه در نبرد با امپریالیسم آمریکا، دهقانان ویتنامی هنگام کشت هم مسلح بود. کارگزارش هنگام کار در کارخانه هم مسلح بودند، دانش آموزان و معلمینش در مدرسه هم مسلح بودند و... در کوبا نیز این مسئله را دیدیم. پس چرا دولت جمهوری اسلامی تمام فکر و ذکرش خلع سلاح توده ها است؟ زیرا به توده ها اتکاء و اعتماد ندارد. میخواهد توده ها را خلع سلاح کند و آنها را سرکوب نماید. میخواهد انقلاب را به شکست قطعی بکشاند، میخواهد توده ها را در مقابل امپریالیسم و پابگاه داخلی اش، سرمایه داران بکلی خلع سلاح کند. پس خلع سلاح سازمانهای سیاسی صرفاً یک بهانه است. هیچ گروه یا

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# رهنمود به رفقای هوادار

رفقا! چند روزی بیشتر به برگزاری مراسم اول ماه مه، روز همبستگی جهان کارگران باقی نمانده است. همان گونه که قبلاً نیز گفتیم، باید با تمام توان، نیرو و انرژی خود با استقبال برگزاری هر چه باشکوه تر این روز بشتابیم. باید وسعتاً برای برگزاری مراسم این روز تدارک دید و بخش عظیمی از این تدارک، تبلیغ همه جانبه، وسیع و توده ای است.

**رفقای هوادار!** باید فعالانه در امر تدارک برگزاری مراسم این روز شرکت کنید، باید وسعتاً در میان توده های مردم بویژه توده کارگر، معنا، مضمون و اهمیت تاریخی این روز را توضیح دهند، رفقای هوادار باید جوهر مبارزاتی این روز را در مبارزه علیه ظلم و ستم، استبداد و استعمار برابری - توده ها تشریح کنید. یک بخش از این وظیفه رفقا را تبلیغ شفاهی تشکیل میدهد. این وظیفه بویژه بردوش رفقای کارگر، در کارخانه ها و هسته های محلی در محلات است. اما بخش دیگر تبلیغات ما را در این چند روز تبلیغات کتبی تشکیل میدهد. در این زمینه رفقا هر کجا که هستند باید فعالانه در امر توزیع تراکتها، اعلامیه ها و سایر نشریات سازمان شرکت کنند و به شعار نویسی بپردازند. رفقا! منتظر نمانید که حتماً یک رفیق را پیدا کنید، تا تعدادی تراکت و اعلامیه بدست شما برساند. با ابتکار خودتان دست بکار شوید. و با هر امکانی که در اختیار دارید، نوشته های سازمان را تکثیر و توزیع کنید. بویژه شعارهای سازمان

را بمناسبت این روز و در وهله اول شعاری محوری را بر درود و پیوستن شهرها و روستاها، کارخانه ها، کوجه ها و خیابانها بنویسید و از توده ها دعوت کنید در مراسم سازمان در این روز شرکت کنند. رفقا در نظر داشته باشید که هر شعاری که امروز مینویسید و هر تراکت و یا اعلامیه ای را که پخش میکنید، یک گام در جهت شکل و آگاهی کارگران و مرزبوری آنها در جنبش خلق برداشتهاید و این وظیفه های بسیار عظیم است.

بخش دیگری از وظیفه رفقا به آماجی و تحرک لازم در روز اول ماه مه مربوط میشود.

رفقا باید در این روز آماجی، انعطاف و تحرک لازم را برای اشکال مختلف مبارزه داشته باشند. مثلاً اگر سازمان اعلام راهیمائی کرد، رفقا باید این آماجی را داشته باشند که چنانچه رژیم جمهوری اسلامی مانع برگزاری این راهیمائی مسالمت آمیز بشود، بلافاصله بر طبق تصمیم سازمان که اعلام خواهد شد، آنرا تبدیل به تظاهرات کنیم. اگر با زهم رژیم جمهوری اسلامی به اقدامات ضد

دمکراتیک خود ادا میداد، دست به تظاهرات موضعی در مناطق و مراکز مختلف در سراسر شهر خواهیم زد. بعلاوه رفقا پس از پایان مراسم با هم باید بیفکالت خود در آن روز ادا میدهند و در مراکز جمع دیگر، در میان توده های که هنوز بدنبال حاکمیت، فرصت طلبان هستند، حضور یابند و دست به افشاگری زده و اهمیت این روز را برای کارگران تشریح نمایند.

البته رفقا در نظر داشته باشید که آنچه در اینجا ذکر شد، فقط بعنوان نمونه بود. باید بر طبق شرایط و تصمیمات سازمان در آن روز عمل کنید. هدف ما در این روز بهیچوجه درگیری - قهرآمیز یا رژیم جمهوری اسلامی نیست ما میخواهیم در این روز تاریخی توده ها در یک مبارزه مسالمت آمیز به اعتراض علیه سرکوب و اختناق دعوت کنیم، همبستگی کارگران ایران را با کارگران سراسر جهان نشان دهیم و نفرت و انزجار خود را از نظام سرمایه داری و خودکامگی بگوش همه برسانیم. ما از هم اکنون به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هشدار می دهیم که سه روز مراسم ۱۷ بهمن درس بگیرند و در این خیال نباشند که با ژاپو سادار و چماق بدست بتوانند، مانع برگزاری مراسم شوند. ما در برابر تراکتیکهای مختلف دولت، تا کتیکهای رادریپیش خواهیم گرفت که اقدامات آنها را خنثی کند.

پس رفقا با تمام نیرو و توان خود دست بکار شوید و برای برگزاری هر چه آماده تر مراسم این روز تاریخی پیروز باشید.

## اطلاعیه دادستان کل انقلاب (علی قدوسی) نمایشی از...

بقیه از صفحه ۲۱

سازمان سیاسی نمیتواند توده ها را با زور به مبارزه مسلحانه فراخواند، یا توده ها را تحریک کند. عباراتی نظیر "تحریک مردم" اراجیفی است که دولت های حامی سرمایه داران مطرح میکنند. مبارزه مسلحانه عالی ترین شکل مبارزه است، و توده ها هنگامی به قیام و مبارزه مسلحانه روی می آورند که شرایط عینی زندگی و مبارزه توده ها چنین شکل مبارزاتی را در دستور قرار دهد.

رژیم جمهوری اسلامی با بسط رژیم شاه آموخته باشد که توسل به قهر و زور انقلابی، قهر انقلابی را به توده ها تحمیل میکند. توده ها تا حدی فشار و سرکوب را تحمل میکنند، اما آنقدر که گذشت با قهر انقلابی خود، قهر و زور انقلابی را در هم نمی کویند. اگر امروز خلق کردار می بینیم که با

تمام وجود خود در مقابل نیروهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی میکند، از حقوق خود و از دست آوردهای انقلاب دفاع میکند. طبیعی است که سازمانها و گروههای انقلابی نیز وظیفه دارند، در پیشاپیش خلق کمر مبارزه کنند. خلق کردار لب جنگ نیست، خواهان صلحی دمکراتیک است، اما رژیم جمهوری اسلامی می خواهد حتی بقیمت نابودی خلق کرد، از دادن حقوق آنها، و شن دادن به خواسته های آنها سرباز بزنند. اینجاست که خلق کردار نیز همچنان به مبارزه و مقاومت خود ادامه میدهد.

رژیم جمهوری اسلامی با بدرک کننده هیچ فشاری قادر نیست توده های زحمتکش و سازمانهای انقلابی آنها را از مبارزه بازدارد. مگر شما دوران رژیم شاه و سرکوبیهای وحشیانه آنرا فراموش کرده اید؟ مگر فراموش کرده اید که علی رغم این سرکوبیها سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همچنان پی گیر و استوار رژیم مبارزه خود ادامه داده، شما طی دو سال حکومت خود تجربه کرده اید که نه اعدام ها و ترورهای شما، نه زندان و نه

سرکوبتان هیچیک قادر نیست فدائی خلق را از مبارزه بازدارد. بنابراین نتیجه می گیریم که:

آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها با بدی قید و شرط تا مین شود و دولت جمهوری اسلامی اگر قصدش قریب توده ها نیست باید وعده و وعید، و حرف را کنار بگذارد و عمل کند.

امروز آیت الله خمینی و علی قدوسی و سایر مقامات جمهوری اسلامی زیر فشار روز افزون مبارزات توده ها، لحن با اصلاح ملایمی گرفته اند. اما ما میگوئیم این ظاهرا مراد است و این سیاست نمیتواند کسی را فریب دهد. رژیم جمهوری اسلامی گفتار و کردارش در مقابل قضاوت مردم است. رژیمی که دو سال به مردم دروغ گفت و آنها را فریب داد، اینبار با سلاح جدیدی بمیدان آمده است. در یک دست شلاق بدست گرفته و در هوا می چرخاند و در دست دیگر نشان قندی را نشان میدهد و اما ما مطمئنیم که این شرکد جدید نخواهد توانست مردم را فریب دهد.

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

# پیام خانواده‌های شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر جنایت آفرید

خلو می‌فرمان ایران!  
کارگران مبارز و آشنایان پذیرا!  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!  
راه‌هایی کارگران و زحمتکشان از مسرخون و آتش و شکنجه می‌گذرد!

بسیه ارمعه ۱  
دیروز راز طرف مسئولان مربوطه سلا  
بولدوز خراب‌دهی‌ها و سارندگان  
این ساختمان‌ها به عنوان اعراض با  
گروهی اربابداران درگیرند -  
(روزنامه اطلاعات ۲۱ فروردین ماه ۶۰)  
این سبب حشری که روزنامه‌های رژیم  
جمهوری اسلامی درسی خراب کردن خانه  
های زحمتکشان و سرکوب آنها، مسردم  
دادند، تا یکبار دیگر اقدامات ضد  
انقلابی رژیم را بوجه کنند.  
سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از  
"غاصبین و متفرغین اراچی‌جوانی"  
انباران کرج "تخم می‌کوبید، و غرسه  
می‌کنند که خانه‌های "غاصبین اراچی"  
بولدوز خراب کرده‌اند. سببیم  
حکومتی که به دروغ خود را حامی توده‌ها،  
مدافع مستضعفین و دشمن سرمایه  
داران معرفی می‌کند، خانه‌ها را خراب  
می‌کند. در همین شماره روز -  
تا ما اطلاعات در گفتگویی که با چندین  
از این باطن "غاصبین" صورت گرفته  
است، میخوانیم:

این کفنا رهنه‌ها فرزندان شهیدان، فدائیان خلق، بیژن جزئی - حسن ضیا، ظریفی - احمد جلیل افشار - عزیز سیدی  
محمدجویا براده - سمنگلانتری و عباس سورکی همواره در جان و دلمان طنین انداز است. شهادت فرزندان دلاوران، نجلی  
روسی اربتمانی‌ها و جاسازی‌های مردم ما است. آنها در شب سیه اختناق و دیدگان توری شاه جلا دور سال‌های سیاه  
سکوت و سارس، سرخس و آسای سادیر بر علیه امپریالیسم و دیکتاتوری مبارزه کردند. فرزندان شهیدی که در زندان  
ها و کتخده‌ها رژیم شاه و در قتلگاه‌ها و سینه‌های خونین "اوس" نیز قتلشان فقط برای رهائی کارگران و زحمتکشان  
می‌شد. آنها برای منافع بوده‌ها و بر علیه سرمایه‌داران مبارزه می‌کردند. از این رو برای ما خانواده‌های چریکهای  
فدائی خلق ایران ما عجب نیست آنها بی که در سالهای سیاه دیدگان توری شاه جلا، مهرسکوت بر لب زده‌ها و با انواع  
سنگانه بجاوند، برای ما عجب نیست آنها بی که در سالهای سیاه دیدگان توری شاه جلا، مهرسکوت بر لب زده‌ها و با انواع  
بها نه‌ها و سلیم‌طلبی‌ها، عملاً با رژیم شاه، در زیر شکنجه‌های طاقت‌سوز جلاخان با اوای، بلکه می‌دیدند آنها در شهرهای اروپا و آمریکا  
و در روزهای که فدائیان خلق، بی‌جهت نیست که عوامل سرمایه‌داری اینک حتی از جاسدنگه‌ها و تیرباران شده‌ها در آن، و دشمنان  
به نیروی ساحت مسئول بودند با "تغلاسیون بعد از انقلاب" و فرصت طلبانی که با صدها حمله و تیرباران شده‌ها در آن، و دشمنان  
شهیدان، سعادت خریده‌ها، امروز فرزندان ما موروثیست و آنها را موروثیست و آنها را موروثیست و آنها را موروثیست و آنها را موروثیست  
خلق نسبت به فدائیان شهیدان می‌دهد که فرزندان شهیدان ما نیستند، مدای و بیامی در خوشبختی‌ها و بی‌بختی‌ها در آن، و دشمنان  
زحمتکشان ایران می‌زند. بی‌جهت نیست که عوامل سرمایه‌داری اینک حتی از جاسدنگه‌ها و تیرباران شده‌ها در آن، و دشمنان  
و حجت دارند، در زمان شاه آنان را کشتند و گمان ما، و غریبان به خاک سپردند و اکنون سبب قهرمانان را می‌کشند. آری  
مبارزان راه آزادی کارگران و زحمتکشان هیچگاه خوشایند سرمایه‌داران - عوامل مزدور آنها نبوده‌اند.  
فرزندان شهیدان، تسخیر آسمان نه‌توده‌ها و عشق بکارگران و زحمتکشان بودند، آنها در راه تأمین منافع کارگران،  
سرخ، مقاوم و سازش‌ناپذیر بوده و از این رو، فرصت طلبان و سازشکاران تسلیم‌طلبی چون "کمیته مرکزی اکثریت"  
(که اینک بدروغ نام این شهیدان را وسیله کسب اعتبار و حیثیت خود ساخته‌اند) شدیداً مورد تخریب و تفرقه‌انداز قهرمانان  
سازش‌ناپذیر بودند.

مکانی نداریم و در کرج و اروست‌های  
اطراف و حومه تهران سرگردان هستیم.  
در آرزوی یک است و خرج زندگی سرام  
آبرو، هیچکس ما را فریبست به ما خانه  
برای کونست به دهوار آنکشتیم -  
نمیخواهیم کرایه خانه بدهیم. چندسار  
برای توجیل گرفتن ممکن به کمیته،  
سیاه، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفان و  
بنیاد شهیددو تهران و کرج مراجعه  
کرده ایم و نتیجه نگر گرفته ایم حتی برای  
آنکه لاف قطع زمینی جهت ساختمان  
بما داده شده‌ها است اما کسبشور.  
اداسانی انقلاب، بنیادها و نهادهای  
انقلابی مراجعه کرده ایم ولی هیچکس  
از مسئولان به درخواست ما توجهی  
نگرفته اند ما هم چاره‌ای نداریم  
چهار دیوار برای ساختم که زن و بچه -  
ها بیامان کونست کنند. آرزو هم امروز  
"دیروز" میند و خراب کردند و عده‌ای از  
بچه‌های ما را ما موران با خود بردند  
که موافق اولسایم بزرگواران و  
بچه‌ها بیامان خودگیری کنیم با داران  
شروع به سراندازی کردند و اوتوبان  
کرج را بستند....

خلق‌های مبارز!  
کارگران و حومه تهران و آگاه ایران!  
ششمین سالگرد شهادت فرزندان ما در شرایطی برگزار میشود که تورم، بیکاری، گران، آوارگی و جنگ جان کارگران و  
زحمتکشان ما را با لب‌رسانده است. آزادی‌های سیاسی و حقوقی دموکراتیک توده‌ها با بی‌اعتمادی می‌گردد. زندان‌های میهن‌پر  
از انقلابیون آگاهی است که اکثر مسازات سختی در سرنگونی رژیم شاه داشته‌اند. نا شکسته‌ها ما - این سنگر آزادی  
آگاهی، همچنان تعطیل اند، چاپ و نشر و فروش روزنامه‌های مترقی و انقلابی ممنوع و قابل مجازات است. اعتماد  
و اعتراف کارگران بخون کشیده می‌تواند خلق قهرمان کرد، همچنان قتل عام می‌گردد. در کنار همه این ماسک‌ساز  
او حکبری عظیم مبارزه طبقاتی در جامعه ما، جمع انداز میدبخشی از روزهای آینده را تسخیر می‌کند.  
ما - خانواده‌های شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سوگند می‌خوریم که با تمام توان خود، پیام  
فرزندان ما - که آنها را زحمتکشان کارگران و زحمتکشان است - وفادار با شیم و بکوشیم که با تمام توان خود، پیام  
آرمان سرخ این عزیزان بخون خفته را بکوشیم. زحمتکشان و مردم میهن‌مان برسانیم.  
ما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیام می‌دهیم که همچنان راه سرخ و آرمان مقدس شهیدان ما را تا پیروزی  
نهائی کارگران و زحمتکشان، ادامه دهد.

درد و افتخار بر همه شهیدان بخون خفته خلق  
برافراشته تریا دیرچم مبارزات کارگران و زحمتکشان  
پیروزی با داران سرخ فدائیان شهر  
مرک بر امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا و بی‌گناهان خلیج

۱۳۶۰/۱/۲۸

سلطانزاده در سال ۵۶ در مقام امپریالیست  
آموزش و پیروزی نعت، برای هر چه  
پهن رویا شکوه تریا دیرچم را گردن مراسم  
چهارم آبان و نهم آبان ما در کسره  
است. ما بی‌استقامی نویسد:  
"درست چند ماه قبل از خیزش‌های  
انقلابی مردم قم، تبریز، و... در  
سال ۵۶، سلطانزاده برای "از دروز -  
سعدی در تاجدارش دستور برگزاری  
هر چه با شکوهتر از می‌داد دوجا بیوسانه  
در باره "تهدات بشردوستانه شهبانوی  
گرمای "خترانی تریا دیرچم می‌داد  
با بی‌استقامی موقعیت فعلی سلطانزاده  
که از نهم در سال ۵۶ با چالپوسی و خوش -  
رغمی خود بدست آورد ده است اشباره  
می‌کند و بعدا داده می‌دهد:

## دو افساگری به قتل از: بلبی استار نشریه هواران سازمان در سیستان و بلوچستان

اولین مورد، سندفا کراشه‌ای  
است در باره سلطانزاده مدیرکل "کتبخ"  
آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان  
متن سندفا کرا زستورانی است که

خود بنا کرده اند سرشان خراب کرده -  
است. آنها را ضرب کلوله از خانه‌های  
که از سرمایه‌داران معارضه کرده‌اند،  
بیرون مانده‌اند. اما زحمتکشان  
میهن ما هیچگاه تسلیم این سیاستها  
و زورگوئیهای رژیم جمهوری اسلامی  
نمی‌شوند. آنها ایستادگی می‌کنند و  
سماززه خود را ادامه میدهند. زورهرکام  
خود در می‌یابند که رژیم جمهوری اسلامی  
رژیم، فریب و دروغ، رژیم سرکوب  
زحمتکشان، رژیم مدافع سرمایه‌داران  
است. آنها بی‌میلند، که از این رژیم  
ناشته هیچگونه اعتمادی نیست و باید  
با مبارزه، بی‌گیر علیه آن -  
خواستها و حقوق برحق خود سرند.

بر طبق گزارش‌های که در آریسن  
لحظت بدست ما رسید با ساداران رژیم  
جمهوری اسلامی معقابله مسلحانه  
این زحمتکشان برخاسته‌اند، و نا  
کسوت تعدادی از مجرم‌ترین  
زحمتکشان میهن ما همواره با خراب  
شدن خانه‌ها و تان کشته و زخمی  
شده‌اند. این است نمونه‌ای دیگر از  
حیای رژیم مدافع سرمایه‌داران  
علیه کارگران و زحمتکشان.

**باردیگر دولت مستضعفان!!**

**اصل صد نیک پی را در منطقه گومدره اجرا کرد!**

**هده‌ضمان مبارز! زحمتکشان ایران!**

تعدادی از بزرگان و مسئولان رژیم سرکوب و مزدور در سال ۱۳۵۵ خانه‌های زحمتکشان را در حصار  
بمباردها و با کتکشان کرد و آنها را کتک و کتک کرد. امروز رژیم جمهوری اسلامی کتک و کتک  
کند و در سینه‌ها و کتکشان کرد و آنها را کتک و کتک کرد. اما زحمتکشان  
کند و در سینه‌ها و کتکشان کرد و آنها را کتک و کتک کرد. اما زحمتکشان  
کند و در سینه‌ها و کتکشان کرد و آنها را کتک و کتک کرد. اما زحمتکشان

**زحمتکشان ایران!**

تعدادی از بزرگان و مسئولان رژیم سرکوب و مزدور در سال ۱۳۵۵ خانه‌های زحمتکشان را در حصار  
بمباردها و با کتکشان کرد و آنها را کتک و کتک کرد. امروز رژیم جمهوری اسلامی کتک و کتک  
کند و در سینه‌ها و کتکشان کرد و آنها را کتک و کتک کرد. اما زحمتکشان  
کند و در سینه‌ها و کتکشان کرد و آنها را کتک و کتک کرد. اما زحمتکشان

**سازمان چریکهای فدائی خلق ایران**

۶۰/۱/۲۸

# خبرهائی از جنبش مقاومت خلق کرد

را در فشار گذاشته و اعتماد آنها را در هم شکنند ولی قضا با جمع آوری مبلغی پول توسط مین معاش کارگرانی که در همین رابطه بیکار شده بودند، همسنگی خود را نشان دادند و نوطنه شهرداری را خنثی کردند.

**بانیه** - محاصره اقصابی شهرهای کردستان هر روز با فدا دنازه ای میگرد شهریه نه از نظر مواد سوختی کاملاً در مصیقه است. مردم برای تا مین سوخت مورد نیاز خود از درختهای جنگلی استفاده میکنند. در تمام شهر فقط دو دستکاه تا کالی کار میکنند و به اوسایل های شخصی ملائین زمین میدهند. عسده زیاده ای از اهالی از شهر خارج شده و به شهرها و روستاهای اطراف پناهنده اند در این شهر تقریباً حکومت نظامی برقرار است و از ساعت شش بعد از ظهر کمتر کسی جرات خروج از خانه را دارد، افراد غریبه بسرعت شناسائی شده و مورد بازپرسی قرار میگیرند.

**تویوان** - وضعیت این شهر از نظر امکانات رفاهی، از شهرهای دیگر نیز بدتر است. ما موران رژیم حتی مانع آوردن همسوز درختهای جنگلی برای مصارف سوختی هستند. اهالی از حضور و جاش ها در شهر بسیار ناراحت و ناامنی هستند. مردم میگویند در شهر ما هر جوانی جدا قل بیکار زندانی شده است. بدستور سیاها پاداران هیچ دم غریبه ای پیش از یک شب نباید در شهر ما تردد و هنگام خروج باید برگ عبور سپاه به همراه داشته باشند.

**سنندج** - بدنیال حادثه در کبری نیروهای انقلابی کردستان با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی و نیز در پی حوادث اخیر ایران و موج گسترده مبارزات توده ای در کارخانه ها و شهرهای شمال و دیگر نقاط، خون تازه ای در شریانیهای جنبش مقاومت خلق کرد به جریان افتاده است و تظاهرات خود انگیخته دانش آموزان سنندج که از تاریخ دهم اسفند ماه گذشته به مدت یک هفته در نقاط مختلف شهر انجام گرفت، گواهی بر ارتباط جدائی پذیر جنبش مقاومت و مبارزات توده ای سراسر ایران است. این تظاهرات بدنیال اعدام مسافر دارواری یکی از هواداران اتحادیه کمونیست، که به جرم متفرج کردن خانه حاجی مسعود جاش معروف و همه کاره سازمان به اصطلاح پیشمرگان مسلمان کرد دستگیر شده بود، انجام گرفت و با استقبال مردم شهر و پیروشد. در آخرین روز - تظاهرات جاش ها و پاداران را به تجمع مردم حمله کرده و چهار دختر و ۹ پسر را دستگیر کردند. زندانیان همگی دست به اعتماد غذای ده و با مقاومت خود رژیم را مجبور کردند که بعد از سه روز آزادشان کنند.

**سنندج** - فشار شهرداری بر قصاب های شهر، باعث شده که آنها دست به اعتماد بزنند و خواستار قیمتست عادلانه ای برای فروش گوشت شوند. شهرداری سعی کرد با استفاده از دام های غارت شده از مناطق مرزی ایران و عراق و بوسیله چند قصاب جاش قصابها

# یکصد و یازدهمین سالگرد تولد لنین خجسته باد



دوم اردیبهشت مصاف است با یکصد و یازدهمین سالگرد ولادیمیر ایلیچ لنین (لنین) آموگسار کبیرور و هیرولتاریا، ادا مدهنده و ننگا مل بخش مارکسیسم، بنیانگذار، سازماندهنده و رهبر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی.

لنین که در سال ۱۸۷۰ متولد شد از همان نخستین سنین جوانی خود پناهنده در راه آرمان طبقه کارگر، در راه انقلاب پرولتری خاست. او تئوری انقلابی ما را کمیسر ادرسه جز آن فلسفه، اقتصاد سیاسی و سوسیالیسم علمی در عصر امپریالیسم، عصر انقلابات پرولتری، عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم تکامل بخشید، و بطور خلاصه ای ما را کمیسر ادر شرايط جدید بکار گرفت. بهمین علت لنینیسم جز لاینجزای ما را کمیسر ادر گردید، بنحوی که امروز ما کمیسر از لنینیسم جدائی پذیر است. آنچه که در تئوریه و پراکتیک لنینیسم از اهمیت ویژه ای برخوردار است، تاکید بر جوهر انقلابی ما را کمیسر و مبارزه علیه انحرافات از ما را کمیسر است. لنین نمونه ای از سرسختی در اصول و پیگیری مبارزه با انحرافات بود. او بویزه علیه اپورتونیسم راست، رفرمیسم، در جنبش طبقه کارگر سرخخانه مبارزه می کرد، و بیرحمانه نظرات کسانی را که نقش هژمونیک و رهبری کننده طبقه کارگر را در عمل انکار می کردند، کسانیکه در عمل دیکتاتوری پرولتاریا را تفسیر می نمودند، و ضرورت انقلاب قهرآمیز، و درهم شکستن قهری ماشین دولست بورژوازی را منکر می شدند، بی بدون گذشت، اقصاء و بی اعتبار کرد. این جنبه ای است که بویزه در شرايط کنونی ما که اپورتونیسم راست خطر عمده ای است تا کیندی بر آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بنا بر این در یکصد و یازدهمین سالگرد تولد لنین، با مبارزه علیه اپورتونیسم، از لنینیسم دفاع کنیم، و در راه تبلیغ و ترویج لنینیسم بکوشیم.



## سعید سلطانپور شاعر و هنرمند انقلابی آزاد باید گردد!

روز پنجشنبه بیست و هفتم فروردین ماه سعید سلطانپور شاعر و هنرمند انقلابی که سالها با رژیم شاه مبارزه کرد و زندان سربرد، دوباره توسط پاداران رژیم جمهوری اسلامی بازداشت و زندانی شد. رژیم جمهوری اسلامی که بیشترین دشمنی خود را با انقلابیون نشان داده است، در ادامه سیاست سرکوب و اختناق به سرکوب و بازداشت هنرمندان انقلابی روی آورده است. اما این اقدامات رژیم همانند اقدامات دیگرش فا در نیست جلوسا رزات توده های مردم و فضا لیت نیروهای انقلابی و مترقی را سنگند. این اقدامات رژیم جمهوری اسلامی فا در نیست، جلوسا عراضی و آکا هی توده ها را نگرد و تنها با سر در مانده ای این رژیم را نشان میدهد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، با زندان سعید سلطانپور را محکوم میکند و از همه هموطنان زحمتکش، و از همه نیروهای انقلابی و مترقی دعوت میکند که برای آزادی این هنرمند انقلابی از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۰/۱/۲۸

ت-۶۰-۵

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر